



روز اول ماه مه چگونه برگزار شد؟

در ایران بنا به شرایط خود بویژه کنونی که همانا کشمکش انقلاب و ضد انقلاب است، بورژوازی به شیوه های مختلف متوسل شد. از یک سو رژیم بخشی از طبقه کارگران ایران را که هنوز به حاکمیت اعتقاد دارند، بویژه آن بخش که تابع سیاستهای حزب جمهوری اسلامی و احمنها یا سلامی هستند در بستن راهیما شی فرما بینی بخا نا نکشد. اما آنچه که بویژه در ایران هیما نی چشم گیر بود تعداد قلیل کارگران شرکت کننده در این مراسم بود. ترکیب جمعیت عمدتاً خرده - طبقه در صفحه ۲

انقلابی مطرح شد. با این وجود در راهیما نی ها و میسکها میسند، همسنگی خود را با کارگران سراسری نشان دادند و در برخی موارد کارگران به خود خوردن سبزیها و مرکوب - بورژوازی کشید. در کشورهای تحت سلطه وابسته که اکثر آنها "دیکتاتوری عریان و نظامی حاکم اند، این مراسم را شکل فرما نی برگزار شد و یا اینکه به درگیری و زد و خورد مناسبت طبقه کارگران و سازمانهای سیاسی آنها. با نیروهای مرکوب مدافع سرمایه داری. اینجا میسند، نمونه های بارز آن در ترکیسده و شلیو... بود.

روز جمعه اول ماه مه، کارگران سراسری جهان، روز همسنگی جهانی کارگر را جشن گرفتند و یکبار دیگر اتحاد و یکپارچگی خود را بر علیه سرمایه داران به نمایش گذاشتند. پرولتاریا و زحمتکشان کشورهای سوسیالیستی ضمن مراسم روز مه و راهیما نی خود این روز را با تکیه هر چه نما ستر برگزار کردند. در کشورهای امپریالیستی، علیرغم اینکه اکثر کارگران بزرگ و متوسط از حزب اپورتونیست، سوسیال رفرمیست و سیدیکا ها یز در قرا دارند، و شعارهای آشکارا -

کوششهایی که برای تقویت کمیته ها میشود چه رابطه ای با بمب گذاریها دارد؟

در نظرات کشته و زخمی شدند. مادر شماره گذشته درباره برابرهاهی و بارحک های سازمانی در میان نظا هر کسندگان برخوردار کرده و نوشتیم که در سای مزدوران حاکمیت را در آنها می بینیم و آنرا روی دیگر سکه چما فداری و ترور سمدان سیم اما بسط ما انفجارات بمب در تهران و کرمانشاه و نظائر آن از جهت دیگری قابل اهمیت است. سقیه در صفحه ۱۷

در چند روز اخیر بمب گذاریها نی در میدان نیاوران تهران، در کرمانشاه و... انجام گرفت که در اثر انفجار هر کدام از آنها تعدادی از هموطنان ما شهادت رسیدند. ضمناً در ۳۱ فروردین جلوسوی دانشگاه تهران و ۱۴ اردیبهشت در قراشمهر و ۱۱ اردیبهشت در میدان آزادی و... سه راهی هائی میان نظا هر کسندگان براب شده در هر مورد تعدادی از شرکت کنندگان

هیئت بررسی شکنجه میگوید: با وجود آنکه ۳۶۲۰ نفر از اعمال شکنجه نسبت به خود شکایت کرده اند ولی در ایران شکنجه وجود ندارد!

بر اساس گزارش "تحقیقات" در مورد شکنجه "هیئت بررسی" پیسورده از روی اقدامات "خوش بر گرفت! آتسای ساری که همین حدی بشا اعلام کرده بود بیعت مشنگه ریادا ار عضویت در هیئت استعفا داده است تا کپهان روز ۲۳ فروردی در مجلس شورای اسلامی سابع، تخمیناً "هیات بررسی" شکنجه را اعلام کرد. سخنان ایشان حاوی نکات مهمی بود: اولس نکته این بود که "ما (هیئت بررسی) در رابطه با مسئله شکنجه ۳۶۲۰ پرونده شکایت را رسیدگی کرده ایم. سقیه در صفحه ۱۶

در این شماره

- جنبش جهانی
- جنبش کارگری
- از میان نامه های کارگری
- از اعلامیه ها و... کارگران پیشرو
- گزارشهای روسستانی

قرارداد با "تالبوت" يك خیانت عظیم دیگر

رژیم جمهوری اسلامی همواره کوشیده زیر پوشش شعار "تشریف به غربی" و با صلاح مبارزه با "بر قدرت ها" نزدیکتر شدن "کام به کام" ولی مسمر و "مکنسی" خویش را با امپریالیست ها ا لسته و ساطت امپریالیستهای اروپا نی و ژاپنی (یوشا ندوما نیز بکرات گفته ایم که عسر عم شعرا ها یوچ و عوامفریانه رژیم سنی را دعای مبارزه با امپریالیسم قطع و استکی، لزوم خودکفا شیو... هر دو - جناح ملی هیئت حاکمه میگویند با تکیه به اسکا رات جناح خویش روابط هر چه

سابقه تاریخی
خیانت های حزب توده (۴)

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرگردگی امپریالیسم آمریکا وپایگاه داخلیش

روز اول ماه مه چگونه...

بقیه از صفحه ۱
بورژوازی و شوهرای آن علیه نیروهای انقلابی طرح شده بود.

از سوی دیگر پورتونست های حزب نوده و جناح راست اکثریت نریبخشی زکا رگران را در میتینگهای خود گرد آورده بودند. ترکیب غالب جمعیت شرکت کننده در این میتینگ ها نیز زکا ملا" خرده بورژوازی بود. بویژه این ترکیب خرده بورژوازی در میتینگ جناح راست اکثریت کمپوادران خود را از سراسر ایران برای برگزاری میتینگ به تهران فرا خوانده بود، محسوس و چشم گیر بود. شعارهای آنها عملاً "دردفاع از ضد انقلاب حاکم بود.

و بلاخره بخشی دیگر زکا رگران را سازمان ما سازمان پیکار به راهیما شد عوت کرده بودند. در اینجا نیز ترکیب جمعیت خرده بورژوازی بود. علیرغم تلاشی که از سوی سازمان ما در جهت برگزاری مشترک مراسم راهیمائی از سوی سازمانها یا انقلابی صورت گرفته با این وجود برخی از این سازمانها و گروهها در راهیما شرکت نکردند. شعارهای این دسته که راهیمائی آنها زیر فشار روسکوب ها کمیت نتوانست صورت گیرد در یکی دو مورد به تظاهرات موضعی تبدیل شد، شعارهای کما ملا" انقلابی شعارها را علیه ما به شعاری و امیریا لبسم، شعارها را علیه آختناق و سرکوب بود.

در مجموع میتوان گفت که شرکت طبقه زکا رگران در مقابل ما با سالی ۵۸ و ۵۹ در مراسم این روز بنحو چشم گیری کما هش یافته بود. و این بیانگر دو جنبه واقعیت است. از یکسو توده های زکا رگر که در فاصله اول ماه مه ۵۸ و ۵۹ هنوز بنحو بازی بسه ها کمیت موجودا اعتقاد داشته، و هنوز شکاف درونی هیئت حاکمه بدین حد رسیده بود، بنحوی گسترده در مراسم که در این روز برگزار میشد و اساساً "تحت هدایت و کنترل حاکمیت بود شرکت می کردند، اما مرور با گذشت زمان کما رگران اعتقاد مطلق خود را تا حد زیاد دیده قدرت سیاسی حاکم از دست دادند و از سوی دیگر با جدت تضادهای درونی هیئت حاکمه و جناح پنداری بخشهای وسیعی زکا رگران از بنی صدر، مجموعاً "باعث شد که کما رگران در مراسم این روز و راهیمائی فرمایشی حزب جمهوری اسلامی شرکت نکنند. اما جنبه دیگر این مسئله که از ضعف تشکل و آگاهیه کما رگران و نیز ضعف و بیگانگی کما زمانها یا انقلابی م - ل ناشی می شود، تا شیر خود را بر عدم شرکت گسترده کما رگران در مراسم این روز بر جای گذارد. اگر مراسم اول ماه مه ۱۳۵۸ را که در آن سازمانها یا انقلابی م - ل و در محور آنها سازمان چریکهای فدائی خلق ایران قرار داشت و بخش وسیعی زکا رگران در راهیمائی این روز شرکت کرده بودند، با مراسم سال گذشته و نیز سال مقابل مقایسه کنیم و پراکنندگیهای وسیع و نیز نتوانسی سازمانها یا انقلابی را در جذب و هدایت کما رگران بنحوتاب آوریم. آنگاه روشن خواهد

شد که چگونه این وضعیت بر روحیه کارگران و بسی اعضا داینها نسبت به سازمانها یا م - ل و با لنتنجه عدم شرکت گسترده آنها در مراسم این روز کما ملا" تا شيرداشته است. این دو جنبه واقعیت باعث شد که امسال شرکت کما رگران بنحو چشمگیری در مراسم این روز کاهش یابد.

اما مسئله دیگری که در رابطه با روز اول ماه مه باید مورد بررسی قرار گیرد، تا کتیکهای است که حاکمیت در این روز در قبال نیروهای انقلابی و پورتونست ها می سازنکارا اتخاذ کرد. حاکمیت در این روز از یکسو سیاست شلای و با رفتن در عملی ساخت و از سوی دیگر تلاش کرده که توده های هوادار پورتونست ها را در برابر نیروهای انقلابی قرار دهد.

حاکمیت از یکسو پورتونستها اجازه رسمی داد و برای آنها تبلیغ کرد تا با این اقدام خود آنها را هر چه بیشتر به دنیا له روی از خود وادار کند و در همان حال توجیه و بهانه ای برای سرکوب علنی و آشکار نیروهای انقلابی پیدا کند. از همین روست که ما از روزهای قبل از روز اول ماه مه شاهدیم همکاران پورتونستها بویژه جناح راست اکثریت با پاسداران، و با ندهای حزب اللهی وابسته به حزب جمهوری اسلامی در زمینه پاک کردن شعارها و نیروهای انقلابی در تهران بودیم. موارد متعددی از این همکاران را در فقای ما گزارش کرده اند و حتی در برخی موارد در فقای ما هم هواداران اکثریت را در حین پاک کردن شعارها گرفته بودند.

در روز اول ماه مه رژیم جمهوری اسلامی کوشید که در عمل شان دهد کما نی که به تعلق و تمجد و حمایت از رژیم بر خیزند مورد لطف و حمایت قرار می گیرند و کما نی که به مخالفت با او بر خیزند سرکوب می شوند. از همین روست که از نخستین ساعات روز اول ماه مه محل تجمع سازمانها یا برای راهیمائی اشغال نظر می کرد. از ساعت ۷ با مداد تعداد زیادی از پاسداران به همراه چند صد نفر جملاً قدر حزب اللهی نیز که در شهرهای در فقای ما میباشند با تعلق و تعلق نواب - آذربایجان مستقر شدند. چندین قبضه مسلسل بر روی ما ختمانها یا طرف - نصب شد و چند ساعت بعد که مردم برای راهیمائی بمحل تعیین شده آمدند، از همان آغاز حملات خود را از طریق باندهای حزب اللهی، پاسداران آغاز کردند. بنسبته آشکارا که در نحوه سازماندهی و شکل حرکت وجود داشت (ما طی مقاله جداگانه ای در شماره های آینده کار رنقاط ضعف و قوت این حرکت را بررسی خواهیم کرد) تظاهرات موضعی نتوانست بنحو گسترده ای صورت گیرد و تنها در دو مورد این حرکت صورت گرفت که یک نمونه آن در میدان قزوین بود، که پاسداران به تیراندازی و گاز اشک آور - متوسل شدند. سازمان بن منظور خنثی کردن تا کتیکهای حاکمیت در این روز مبارزت به بخش یک برنا مه را دیوشی بمدت یک ساعت و سه ربع نمود که برنا مه آرزوی روز اول ماه مه بود. این تا کتیک که برای اولین بار در قبال تا کتیکهای سرکوبگران حاکمیت اتخاذ شد. در همان حال درسی است برای حاکمیت که چنانچه بخواد هدشوه ها یا تبلیغ و سازماندهی

نیروها یا انقلابی را محدود کند، ما به شیوه های دیگر از جمله بخش برنا مه های دیوشی دست خواهیم زد. در این روز تعدادی از هواداران دستگیر و زخمی شدند. جنبه دیگر تا کتیکهای حاکمیت در قبال پورتونستها، همصدائی آنها یا حاکمیت بود. پس از آنکه جناح راست اکثریت میتینگ خود را در میدان آزادی برگزار کرد، گروههای حزب اللهی حملات خود را آغاز کردند، اما پاسداران بظا هر حافظ نظم بودند. مدتی بعد همان مسئله ای که در رابطه با راهیمائی هواداران پیکار در اول اردیبهشت پیش آمده بود، اتفاق افتاد و از سوی فالانتهای حزب اللهی یک تاسه نارنجک بدون جمعیت پرتاب شد و پس از آن حملات گسترده فالانتهای بمردم آغاز گردید. طی این اقدام تروریستی چند نفر کشته و صدها نفر زخمی شدند. رژیم کسه خود بنحوروشنی در این حرکت دست داشت بیشتر ما نه کوشید که این اقدام تروریستی را به سازمانها یا انقلابی نسبت دهد رژیم کوشید که با شکل خاص طرح مسئله سازمان ما، مجاهدین خلق و پیکار را عامل این حادثه معرفی کند، اما ما غافل از آنست که هموطنان ما رژیم را آنقدر آگاهی بدست آورده اند که دیگر را جیف رژیم را در این باره باور نکنند. همه بخوبی پی بردند که خود حاکمیت مسلماً در این حرکت دست داشته است. اما رهبران خبا نکار اکثریت که عاملین و خدمتگزاران رژیم ضد انقلابی حاکم محسوب می شوند بنحوروشنی تیرنه حاکمیت و حفظ ظاهر قضیه این اقدام تروریستی را به ما وا کیهما و رنجریها نسبت دادند. این درست همان شیوه ایست که تا کنون این خبا نکاران به انقلاب برای تیرنه ضد انقلاب حاکم برگزیده اند. آنها نمی گویند که باندهای سپاه تروریستی که در میان آنها سا واکیها نیز وجود دارند، وابسته به حزب جمهوری اسلامی یعنی حزب حاکم اند، آنها نمی گویند، که این باندهای تروریستی توسط سپاه پاسداران و کمیته ها آموزش و تعلیم می بینند. آنها نمی گویند که سرمایه داران، تجار و ثروتمندانی که در حزب نماینده آنها یعنی حزب جمهوری اسلامی منبع تغذیه مالی این باندها است آنها بدین طریق یکبار ردیگر بر جنایات رژیم مهرتایید میزند، و با زهم خیانت خود را بخلق آشکارتر می کنند آنها دقیقاً بصورت ابزار ریل را راه ای در دست حاکمیت درآمده اند که کاری جز اجرای سیاستها و تا کتیکهای حاکمیت برعهده نداشتند و اینان خود را مدافع طبقه کارگر و توده ها می زنند. اما علیرغم تمام این سرکوبها، دسائش و خیانتها، مبارزات طبقه کارگر ادامه خواهد یافت و تمام سرمایه داران را بیکور خواهد سپرد.

در تکثیر و توزیع آثار سازمان بکوشید

استقلال - کار - مسکن - آزادی



اعتصاب کارگران پارس الکتریک برای دریافت سود ویژه



مبارزات کارگران پارس الکتریک برای دریافت سود ویژه هر دم و چنانچه از ی ماه بعد در هفته گذشته کارگران بخش نجاری (کارخانه تهران) بمدت ۲ ساعت دست از کار کشیدند. کارگران با این حرکت به مدیریت کارخانه اخطار کردند که اگر به خواست آنها پاسخ مثبت ندهد مبارزه را گسترده تر خواهد نمود. روز چهارشنبه ۲/۹ کارگران بخش نجاری طبق قرار قبلی با مدیریت کارخانه تماس میگیرند و خواهان دریافت ۲۰٪ سود ویژه میگردند بعد از تماس با مدیریت کارگران با خبر می شوند که انصاری رئیس هیئت مدیره کارخانه برای مسافرت به خارج از کشور به فرودگاه رفته است. عده ای از کارگران به فرودگاه مراجعه میکنند. آنها اعلام می کنند که انصاری پول سود ویژه کارگران قصد خروج غیر قانونی از کشور را دارد. کارگران انصاری را از هوا پیمایان می کنند. سپس از طریق فرودگاه با وزارت کار تماس میگیرند و خواهان روشن شدن وضع انصاری می شوند. وزارت کار مدعی می شود که انصاری برای تهیه مواد اولیه به خارج از کشور می رود. پس از آن با حکم رسمی وزارت کار انصاری را به همراه سایر کارکنان می برد.

آری کارگران انقلابی پارس الکتریک بعد از دو سال حکومت جمهوری اسلامی به ما هیت وعده وعیدهای این رژیم پی برده اند. آنها دیده اند که این رژیم سرمایه داران بزرگ فرمت داد تا تمام سرمایه ها بشان را به پول تبدیل کنند و بخارج بفرستند. آنها دیده اند که از حاصل رنج و زحمات کارگران نیز زحمتکشانی میلیونها تومان برای نجات بانگها یورش گرفته برداخته شد. آنها دیده اند در شرایبیطی که کارگران و

زحمتکشانشان در جنگال فقر و گرسنگی، در بدری زندگی میکنند رژیم جمهوری اسلامی میلیونها تومان برای خرید سلاح به جیب سرما به داران و امپریالیستهای آمریکا، انگلیس و فرانسه و غیره میبرد. آنها دیده اند در شرایبیطی که کارگران و زحمتکشانشان از یک سرپناه محرومند و چهار دیواری تنگ و تاریکی که با دستا پینه بسته زحمتکشانشان در خاک سفید، گرم دره و غیره ساخته می شود بدست باسداران سرمایه و سایر ارکانها ی دخلفی زیرو رو می شود. رژیم جمهوری اسلامی در یک معامله ۵۶ میلیون دلار پول عرق جبین این توده ها ی زحمتکش را به جیب دلالتان بین المللی میبرد. آری آنها در عمل دریا فته اند که رژیم جمهوری اسلامی شایسته هیچ اعتمادی نیست.

کارگران مبارز پارس الکتریک پس از بازگشت از فرودگاه متحدا " دست به اعتصاب میزنند کارگران کارخانه کسرج با نصب اعلامیه پشتیبانی خود را از کارگران کارخانه تهران اعلام می دارند. کارگران در این مبارزات به نیروی اتحاد دو همسنگی خود پی میبرند تجربه مبارزات کارگران در چند ماه گذشته نشان می دهد که بدون تشکل و اتحاد یکپارچه قادریم از راه مبارزه ای پیروز مند نیستند همین دلیل کارگران پارس الکتریک در کنار مبارزه برای دریافت سود ویژه مبارزه ای یکپارچه را برای تشکیل شورائی انقلابی به پیش می برند. آنها در می یابند که تنها با تکیه بر نیروی سیکران خود و متمرکز کردن نیروی مبارزانه حول یک شورائی انقلابی قادر خواهند بود حقوق برحق خود را از چنگ سرمایه داران و دولت حامی آنها ندر آورند.

نامه یک رفیق کارگزار کارخانجات ایران فخر



رفیق کارگری از کارخانجات ریسنده و با فندگی فخر ایران واقع در ۳۳ کیلومتری کرج - هشگرد گزاری برای ما فرستاده است. در این گزارش رفیق کارگری خوبی شرایط کار روزنگی کارگران کارخانه اش را ترسیم کرده است. از آنجا که چنین شرایبیطی برای بخشی از طبقه کارگری و نیز بخشهایی از زحمتکشانی میهنمان عمومیست دارد، ما گزارش رفیق را با جزئی تغییر و تنظیم به اختصار می آوریم. گزارش رفیق را با هم میخوانیم: کارخانه ما بیش از ۲۷۰ نفر کارگر دارد که عموماً از روستاهای اطراف هشگرد یا آبیگ آورده اند و در سه شیفت کار میکنند. ما از ابتدائترین مکانات و شرایبیط معمولی

پوشیده شده از بهر زنج و کرد و خاک و دیده و براده های آهن و چدن و چوب خود را با آب سرد بشویند. در صورتیکه در همین کارخانه در خارج از ساختمان اصلی کارگاه، ساختمان سفید بزرگی با تجهیزات کامل (اعم از تهویه مطبوع، رستوران، حمام و...) وجود دارد که در اتاقهای بزرگ، سفید و مجلل آن مدیران، روسا و کارمندان کارخانه کار میکنند. ما کارگران نام این ساختمان را کاخ سفید گذاشته ایم!

کار محروم هستیم. ما لن غذا خوری نداریم. عده ای که هنوز در روستاها ساکن هستند غذای خود را از خانه می آورند و عده ای دیگر بصورت دسته جمعی غذای ساده ای می پزند و در لباس کتبی که هم آشپزخانه وهم استراحتگاه!! است غذا میخوریم. در بیشتر قسمتهای کارخانه از جمله با فندگی - ریسنده - ریخته گری - تراشکای - آهنگری و... از حمام خبری نیست و کارگران پس از ساعتها کار شاق و کوشنده در هوای دم کرده و آلوده کارگاه مجبورند سراپای

بهداشت کارگران طبق قوانین کار " آری مهتری که هم اکنون نیز اجرا میشود هر ماه مبلغ گزافی حق بیمه از حقوق کارگران کسر میشود ولی دفترچه های بیمه اجتماعی کارگران هیچ اعتباری ندارند و آنرا هیچ کجا قبول ندارند! کارگران مجبورند تنها هزینه های پزشک بلکه هزینه داروهای را نیز از دستمزد نا چیز خود بپردازند. کارگران عموماً و کارگران قسمتهای با فندگی و ریسندهی خصوصاً " بسیار زود فرسوده بقیه در صفحه ۴

برای مقابله با توطئه های سرمایه داران (اخراج - تعطیل کارخانه و...)

هیئت تحقیق کارگری را برپا داریم



بقیه از صفحه ۳۰

وبیمار میشوند و همگی همواره از دردیست و گلوئی می نالند و بهمراه سرفه های دردناک و خونین پوزهای نخ از ریه های آنها خارج میشود. کارگران بسیار بیمار را بیستدر بیماران شماره ۲ بیمه های اجتماعی بستری شونده و بیماران بیمارستانهای مجهز و گرانقیمت مانند پارس و مهر و... به روسا و مسئولان عالی مقام ایا کارخانه تعلق دارد. پزشکان بهداشتی کارخانه نیز درمان مهندسی و مدیران را به درمان کارگران ترجیح میدهند و در حقیقت، بهداشتی کارخانه که بیهانه کارگران ایجاد شده است بهداشتی خصوصی مدیران است. کارگران بارها از این شرایط غیر انسانی و نابرابری حاکم بر کارخانه به شورا شکایت برده اند ولی شورا فرمایشی است و آلت دست مدیر عامل، و جز سردواندن و فریب کارگران هیچ کاری نکرده است. از کار افتادگی زودرس و مرگ و میر در میان مسکن کارگران فراوان است.

مسکن کارگران

کارگران این کارخانه به علت دوری راه و نداشتن مسکن عموماً در کوی کارخانه زندگی میکنند. در این کوی بیش از ۳۵۰۰ نفر زندگی میکنند. کوی یا بقول کارگران "لین" ها از دو بخش جداگانه که بخشی به کارگران متأهل و خانواده های آنان و بخش دیگری به کارگران مجرد تعلق دارد تشکیل شده است. لین ها از چند اتاق یک دستشویی و توالت عمومی تشکیل شده و بشدت مرطوب، نور، کثیف و بدبو است. به علت رطوبت شدید، عموم ساکنین کوی به دردهای شدید مفاصل پا و کمر مبتلا هستند. کارگران مجرد در لین ها زندگی میکنند که دارای ۱۶ اتاق و یک دستشویی و توالت عمومی است و در هر اتاق سه الی ۴ نفر کارگر مجرد زندگی میکنند. در این کوی ها از حمام و آشپزخانه هیچ خبری نیست و از نظافت و بهداشت هم حرفی نمیتوان زد. بوی تعفن سراسر ساختمان را پر کرده است. و شرایط اسفناک بهداشتی موجب بیماریهای خطرناکی در میان آنها شده است. شیشه های شکسته درب و پنجره اتاقها عموماً با مقوا و نایلون پوشیده شده است. کارگران متأهل در لین های جداگانه ای با همان کیفیت زندگی میکنند. بهر کارگر خانواده و یک اتاق داده میشود که معمولاً بیش از سه نفر نمیتوانند در آن بخواهند و اگر خانواده ای همان داشته باشد تا جارا است و در کارخانه همسایه بخواهد. هوای گرم و طاقت فرسای تابستان به همراه بوی تعفن شدید ناشی از توالتها آنچنان هوایی میسازد که تنفس در آن دشوار میشود و کارگران ناگزیر در جلوی پنجره

خانه تا کارخانه و بالعکس را هر روز طی کنیم، اعتراض نکیم و اجازه دهیم که آنها تا میتوانند ما را وحشیانه استثمار کرده و به زندگی انکل و روحیاتی خود بیشتر ادا ما دهند. اما ما به مبارزه برخاستیم خواست، برای بدست آوردن خواستهای برحقمان بپاخاسته، شورای انقلابی کارخانه را برپا داشته و به مبارزه ای گسترده روی می آوریم. و در نهایت ما کارگران بی شک با تشکیل در حزب خود و با مبارزه ای انقلابی با تفاسی سبز زحمتکشانه نظام سرمایه داری را درهم کوبیده و انقلاب کارگری را با نجام میرسانیم

رفیق کارگران با گزارش خود تصویر مستند و کوبنده از شرایط زندگی بخش بزرگی از کارگران و زحمتکشان میهنمان را ترسیم نموده است. اما در چنین شرایطی سرمایه داران همچنان و هر روز به استثمار روحیانه کارگران و غارت زحمتکشان ادامه میدهند. رژیم جمهوری اسلامی در دفاع از منافع سرمایه داران با دستگاها ی رنگارنگ خویش از برداشتن هیچ قدمی در راه فریب سرکوب و پیمان کردن حقوق کارگران و دیگر زحمتکشان خودداری نمی کند. اما همچنانکه رفیقمان نیز متذکر شده پیروزی طبقه کارگر بر طبقه سرمایه دار و همچنین نابودی تمام رژیمهای سرمایه داری و روشهای بشریت از قیدستم، بردگسی، و استثمار و رسیدن به سوسیالیسم ضرورت محتوم تاریخ است. اینرا حرکت تاریخ، انقلابات کارگری و گام برداشتن و رسیدن به سوسیالیسم در بسیاری کشورها به عینه نشان میدهد. ما، کمیزم - لنینیسم - سلاح طبقه کارگر و بسیا رپیشتر این امر را به بهترین وجه به اثبات رسانده است. چنانکه آموزگاران کبیر پرولتاریا ما رگس و انگلس بیان میدارند: از آنجا که در شرایط زندگی پرولتاریا کلیه شرایط زندگی جامعه امروز در نقطه اوج غیر انسانی خود جمع آمده اند از آنجا که پیشتر در این شرایط خود را گم کرده و ولی در عین حال به شناخت تئوریک این گم کردگی دست یافته، بلکه بوسیله استیمال - این بیان عملی ضرورت - این فرمانروای مطلق که نمیتوان نادیده گرفت یا تزئینش کرد، بلاواسطه به شوردن علیه این وضع غیر انسانی نیز مجبور میگردد، پس پرولتاریا میتواند و باید خود را آزاد سازد. ولی پرولتاریا قادر به آزاد کردن خود نیست بی آنکه شرایط زندگی خود را نفی کند و شرایط زندگی خود را نمیتواند نفی کند، بی آنکه شرایط زندگی غیر انسانی جامعه امروزی را، که در وضع وی جمع آورده اند نفی نماید، پرولتاریا بپسوده آموزگاه شاق ولی فولادین کار را طی نمی نماید. (خانواده مقدس)

اتاق خود تا قکی جویی با پایه های بلند در امتداد پنجره درست میکنند تا بتوانند در خارج از اتاق بخوابند و مهمتر از همه اینها اینست که حسابداری کارخانه بابت مسکن هر ماه مبلغی از حقوق کارگران کسر میکنند! بدین ترتیب سرمایه داران از الوصف این زاغه های نکبت بار کارخانه نام میکنند! از کار افتادگی در یافت میکنند!

عده ای از کارگران که نتوانند در کوی زندگی کنند مجبورند بخش مهمی از دستمزد خود را بابت اجاره خانه بپردازند و در هشتگرد یا آبیک زندگی کنند. تعداد معدودی از کارگران نیز در آپارتمانها و ویلا ساخته شده ای در اطراف کارخانه زندگی میکنند که البته برای زندگی در چنین محلی باید شرایط ویژه ای کسب کرده اند حداقل هشت سال سابقه کار، داشتن زن و فرزند و داشتن فلان مقدار امتیاز و غیره.

اگر کارگری بازنشسته شود و پافوت کند، کارخانه او ویلا یا زمین را از محل زندگیشان بیرون میکنند و مدعی است که کارخانه این محله را بطور دائمی در اختیار کارگران میگذارد! اعتراضات شدید کارگران به علت عدم تشکیل و اتحاد آنها تا کنون بدون نتیجه مانده است. تا یکسال پیش کارگران حتی حق مسکن نمی گرفتند ولی با تلاش و کوشش فراوان نماینده مبارز کارگران (که از شورا اخراج شده است) اکنون به کارگران مجرد خارج از کوی ۲۰۰ تومان و به کارگران متأهل ۴۰۰ تومان پرداخت میشود. وقتی از دور به کوی کارخانه ما نگاه کنید، شباهت زیادی به پادگانها یا زندانهای نظامی دارد. دور تا دور آنرا سیم خاردار و برجک نگهبانی پوشانده است و ورود کسی همگان آزاد نیست مگر آنکه کسی فامیل یا آشنائی در آنجا داشته باشد.

انتظامات کارخانه به عهده شخصی بنام سرگرد رحیم شمس است که مشتاق اوپاش را برای خبرچینی و سرکوب استخدام و مسلح کرده است تا مواظب اعمال و رفتار ما باشد. نگهبانان نیز به ۳ مسلح هستند! بدین ترتیب سرمایه داران قصد دارند که از مبارزه های محکوم می بسازند که بی سروصدا راه بی انتهای



از اعلامیه‌ها، تراکتها و نشریات

کارگران پیشرو

کارگران پیشرو تولید را در اعلامیه‌های با نام "شورای انقلابی سرگرز حمتکشان علیه امپریالیسم، علیه سرمایه‌دار" نوشته‌اند: "هما نظور که میدا نید روز شنبه ۲۲ فروردین دوستان کارگران در قسمت دارویی با وجود کارشکنی‌های مدیریت و انجمن اسلامی موفق شدند انتخابات شورای را برگزار کنند. آنها در طول مدتی که شورای قبلی بصورت معلق بود و عملاً هیچکاری برای نشان انجام نمیدادیم لزوم تشکیل یک شورای انقلابی که نمایندگان آن آگاهانه بوسیله خودشان انتخاب شده باشند، بی‌سرده بودند. آنها با انتخاب شورای جدید ثابت کردند که همواره در راه زسیدن به خواست‌ها ایشان مبارزه میکنند. سپس از کارگران بخشهای تکنو صنایع، کیوان و سیانا مید میخواستند که چون دوستان دارویی خود برای تشکیل شورای بکوشند و پس از سر نردن خصوصیات یک نماینده واقعی می‌یابند: "با انتخاب نمایندگان واقعی خود از خواستهای برجسته‌مان در مقابل سرمایه‌داران و دولت آنها دفاع کنیم."

"با مبارزه متحد و یکپارچه علیه مقابله با اخراج و دستگیری برجیزیم عنوان تراکتی است که کارگران پیشرو ارج در قسمتی از آن نوشته‌اند: "در کارخانه ما انجمن اسلامی این ابزار فریب و توطئه حزب جمهوری اسلامی به شیوه‌ها و اک آریا مهری، با همدستی نمایندگان شورا و مدیریت با سه اخراج و تعقیب و دستگیری و زندانی کردن کارگران زده است." و در ادامه می‌فرمایند: "دوستان کارگران! همچنانکه کارگران بخش پرسی قاطعانه در مقابل طومار انجمن اسلامی جهت اخراج دوستان ما ایستادگی کردند و دست رد بر سینه انجمن اسلامی زدند ما نیز با حمایت پیگیرانه از کارگران پرسی و با مبارزه متحد و متشکل خود به مقابله با اخراج، دستگیری و زندانی برجیزیم. مبارزه متحد و متشکل ما کارگران ضامن پیروزی ما است."

کارکنان هوادار سازمان در بخش شرکت نفت اعلامیه‌ای بمناسبت سومین سالروز سرکوب خونین ۱۸ فروردین ۵۸ منتشر نموده‌اند. در ابتدای این اعلامیه ضمن بزرگداشت خاطره رفیق شهیدنا مرتوفیقین که با گلوله

"مجمع عمومی رایب سگر مبارزه علیه سرمایه‌داران تبدیل نمائیم" عنوان اعلامیه‌ای است که کارگران پیشرو شهرک اکیاتان در آن می‌نویسند: "بعد از مدتی کشمکش بین شورا و مدیریت شورای شهرک اقدام به سرگزاری مجمع عمومی کرد. کارگران پیشرو پس از توضیح سگاندازی‌های مدیریت و کارگری و اعمال ضد کارگری برخی افراد شورا می‌گویند: "پس متحد و مصمم هرگونه کارشکنی را از جانب مدیریت و یا هر گروه دیگر که در مقابل خواسته‌های واقعی ما ایستاد فضا نموده و مجمع عمومی رایب یکی از سگرهای مبارزاتی خویش تبدیل نمائیم."

کارگران پیشرو کارخانه را تحت نظارت پارچین دو اعلامیه منتشر نموده‌اند: "در اولین اعلامیه خود تحت عنوان "اعتماد کارگران پارچین جواب به تشویق ضد انقلاب" پس از توضیح اعتماد کارگران قسمت ابزار سازی طرح که در اعتراض به جاره گرفته افسران و مهندسان ضد کارگرم صورت گرفته و مورد حمایت کارگران طرح ۴ نفر قرار گرفته بود، به افشای رژیم جمهوری اسلامی و عمالش در کارخانه می‌پردازند و بعد از ذکر اعمال ضد کارگری مدیریت و تلاش آنان برای استفاده از صداقتی‌ها و عنا صوابسته و رژیم سابق و بمنظور ایجاد سرکوب و اختناق، چنین ادامه میدهند: اعتماد کارگران ابزار سازی قدرت اتحاد ما را نشان داد و تنها حمایت متحد و متشکل ما از این مبارزات است که رژیم رایب عقب نشینی و ادا خواهد ساخت. برای اهنکار میبایست در شورا‌های واقعی خویش متشکل شده و به مبارزه برای تحقق خواسته‌هایمان ادامه دهیم."

دومین اعلامیه کارگران پیشرو پارچین "با تشکیل شورای انقلابی، سگر مبارزات خویش را مستحکم کنیم" می‌باشد. این کارگران در اعلامیه‌شان در رابطه با تجدید انتخابات شورا می‌نویسند: "تجربه ما در این مدت و بخصوص تجربه مبارزه اخیرمان بر علیه افزایش ساعت کار و تشویق ضد انقلابیون، به ما نشان داد که این شورا، شورائی واقعی نبوده است زیرا نمایندگان آن "بلا لایی‌ها" سازش کرده و همیشه در مقابل ما ایستاده‌اند. آنها از روبروشدن با ما وحشت داشته و در این مدت از گذاشتن مجمع عمومی به شکل و بهر طریق طفره رفته‌اند... حتی برخی از افراد ضد کارگرمشورا نظیر میر و کیل با کمک اداره حفاظت و کمیته کارخانه به تفتیش بدنی کارکنان، ضرب و شتم، اخراج و دستگیری کارگران مبارز و... دست زده‌اند." در ادامه می‌نویسند: "سرور شوراهای نقش تعیین کننده‌ای در تشکیل و پیشبرد مبارزات ما در جهت برآوردن بدن خواسته‌هایمان دارند. شورای واقعی سگر مبارزات کارگران و زحمتکشان در مبارزه علیه امپریالیسم و با نگاه دلتلی آن یعنی سرمایه‌داران، دولت آنها و عوامل و ایادی‌شان، می‌باشند."

با سداران رژیم جمهوری اسلامی در مبارزات کارگران به شهادت رسید گفته‌اند: "در حالیکه فقط دو ماه از قیام خونین و مسلحانه ۲۲ بهمن می‌گذشته کارگران در ازای خواسته‌های برجسته خود از حاکمیت فدا نقلایی گلوله دریافت نمودند. کارگران فلور در طول ۲ سال گذشته جهت بدست آوردن خواسته‌های عادلانه خود تا کنون با راه‌ها مورد هجوم مزدوران جمهوری اسلامی قرار گرفته‌اند. سپس خواهان دریافت کسری دستمزد تعیین شده از طریق تشکیل هیئت‌های تحقیق برای نظارت بردفا ترو حصابهای بانکی گشته و چنین ادا می‌دهند:

"اکنون در حالیکه کارگران خواهان تشکیل شورا‌های انقلابی خود هستند، نمایندگان ارستاداری با کمال بی‌شرمی می‌گویند در صورتی شورا‌های شما مورد قبول میباشند که تحت نظارت سپاه پاسداران تشکیل گردند. آری آنان میخواستند چند مزدوری را از بین خود و انجمن‌های اسلامی بعنوان نمایندگان شورا انتخاب نموده و در کنار پاسداران سرکوب قرار دهند تا ابزار سرکوب خود را تکمیل نمایند." در ادامه می‌فرمایند: "در آستانه سومین سالروز سرکوب خونین ۱۸ فروردین (۵۸) و بزرگداشت شهادت کارگرمبارزنا مرتوفیقین برای خنثی کردن توطئه و تجاوزات رژیم حامی سرمایه‌داران و عواقب بزرگ فلاتک با کشور‌های انقلابی خود را تشکیل دهیم!"

روز دوشنبه ۱/۲۴ حدود ۳۰۰ نفر از کارگران "عمرکار" کارخانه چیت تهران (با فکار) در اعتراض به پرداختن ۲۰ روز سود ویژه دست به اعتصاب زدند. اعتصاب از ساعت ۲ تا ۶/۵ عصر بطول انجام مید.

کارگران پیشرو این کارخانه اعلامیه‌ای در رابطه با موضوع اعتصاب تحت عنوان "۲۰ روز سود ویژه پرداخت با یک‌گردد" منتشر نموده‌اند. در این اعلامیه توضیح میدهند که قبل از عید بعثت با لاف زدن تولید قرا بروده ۲۰ روز سود ویژه پرداخت شود ولی بعد از عید مدیر اعلام می‌کنند که ضرر داشته‌اند و سود پرداخت نخواهد شد. و در ادامه می‌نویسند: "ما برای روشن کردن روضه و افشای دروغ‌های مدیرعامل تنها به آما ریگه خودشان در نشریه‌های خبری سازمان گسترش نوشته‌اند اما راه می‌کنیم" و پس از ارائه ارقا می‌که نشان میدهند تولید کارخانه ۶/۵ برابر بر شده می‌گویند: "در چنین شرایطی با هم سود ویژه ما که بخشی از دستمزد ما است به بهانه‌های مختلف پرداخت نمی‌شود... در این میان اسلامی نیز از گرفتن حق کارگرم رظرفه میروند و بدین ترتیب خود را از کارگران جدا ساخته، در کنار کارگرم ما قرار میگیرند." در پایان اعلامیه کارگرم پیشرو می‌فرمایند: "بکوشیم با طرد عنا صرت سازشکار شورا و تشکیل شورای واقعی از حقوق خود دفاع کنیم."

کارکنان هوادار سازمان در بخش شرکت نفت اعلامیه‌ای بمناسبت سومین سالروز سرکوب خونین ۱۸ فروردین ۵۸ منتشر نموده‌اند. در ابتدای این اعلامیه ضمن بزرگداشت خاطره رفیق شهیدنا مرتوفیقین که با گلوله

باید با استخدام کارگران بیکار بساط "اضافه کار اجباری" در کارخانه‌ها برچیده شود



گزارشی از تشکیل شورای فرمایشی در

روستای سلوش از توابع لنگرود

در شب کسسه ۶۰/۱/۱۵ بخدا لنگرود
سه همراه چندتن دیگر به منظور تشکیل شورای
بده به سلوش آمدند.
مردم ده در مسجد منبر جمع شده بودند. پس
از سخنان خدا در رابطه با تشکیل "شورا"
بسیک اراغی شورای فلی روستا گفت:
"ما قیام شورادا کنیم و با اطلاع جهاد
و سایر ارکانهای دولتی و همکاری مردم
شروع به احداث حاده سلوش به کومله
(یکی از روستاهای اطراف) نمودیم
ولی بحاظ نظر سکا به چهار زمیندار منگله
(که هر کدام بیشتر از ۲۰ هکتار زمین
دارند) که صیرحاده اربع آن عبور
می کرد، تحت تعقیب فرار کرده و سکا
وجود مراعات مکرر به فرمانداری، جیاد،
دادگاه انقلاب وحشی خود (خطاب به
بخشدار) هتکوه حمایتی از ما عمل
نمایند." بخدا ریدون بوجه به حرفهای
نماینده شورا گفت: "به حال ما آمده ام
که انجمن را تشکیل دهم. ما می خواهیم
کسی را انتخاب کنیم که دلش برای انقلاب
بسیز و مسلمان و معتمد باشد."
در این هنگام، یکی از روستائیان
گفت: "در زمان شاه نیکار دادگان منگله
آمده بود که انجمن ده را تشکیل بدهد
و می گفت نماینده انجمن با آدم مقول
روبی آزاری باشد. ما هم به او گفتیم اگر
شما آدم بی آزاری می خواهید ما کفشورا
سراغ داریم که بیرو مریض است و آزارش
هم به احدی نمی رسد، اگر می خواهید
می توانید او را انتخاب کنید" بخشدار
این حرف روستائی به ختم آداما یکی از
همراهان و برای آدامه جریان ضمن معرفی
سه نفر از اهالی ده گفت: "طبق ماده ۴۴
قانون انتخابات، انجمن ده باید
انتخابی باشد ما هم این سه نفر را انتخاب
می کنیم. کسانی که موافقت دست خود را بلند
کنند." یکی از اهالی در جواب وی گفت:
"اگر انتصابی است، خوب انتصابی کنید
دیگر چرا نظر ما را می پرسید و اگر مسئله
انتخابات است بگذارید مردم خودشان
نمایندگان را انتخاب کنند." در اینجا
بخشدار که طافش تمام شده بود، گفت:
"من توسط انجمن اسلامی از جویای این
روستا با خبر هستم. ما در مقابل کسانی که
از شرق و غرب صحبت می کنند خواهیم بستاد
سپس از همه کتاب و روزان خواست که سکا
انجمن مذکور و جهاد سازندگی همکاری کنند
ولی کتا و روزان می گویند ما به هیچ وجه
با انجمن فرمایشی و همچنین جهاد سازندگی
که بکمال است جز خوردن و خواستن کار
دیگری برای ما انجام ندهد، همکاری
نخواهیم کرد."

مصادره انقلابی زمین توسط دهقانان "هاشم آباد صیمره"

حس دهقانی ایران در اتحاد
سازرات طیفه کارگر هر روز اوچی ناره
بجود می کرد. در این راستا، سارده
انقلابی دهقانان صیمره (در جنوب لیسان)
که سارحه سارزادای جدید سال
عید میراثی (خاندان فتودالی) دارند،
کواد گواشی است برای امر.
در تاریخ ۱۰ دهم فروردین روستائیان
ترده هاشم آباد در منطقه صیمره، اقدام
به مصادره و تقسیم ۸ هکتار زمین از ۹۰ -
هکتار زمین فتودالی را نام غلامزاهانی
می کنند. این حرکت ابتدا توسط
۶ فرحوشین شروع شده و سکا
سسیاسی و همسنگی ساردهقانان مواجه
می شود. فتودال مریور سعی می کند
واسطه فرار دادن زمین خندان فرسه،
زمین ها را پس بگیرد. یکی از دهقانان
در جواب ریش عقیدای می گوید: "ما سکا
کرفس تمام ۹۰ هکتار زمین این فتودال
ظالم اربائی نمی بینیم". این حرف
با حمایت ساردهقانان روبرو شده
ورس خندان کاری از پس نمی برسد
در حال حاضر دهقانان این ناحیه به کشت
روی زمینهای مصادره شده پرداخته و
میکنند ما نایب جان و به هر قیمت و به
هر شکل از حقوق خود در برابر "میرهای
مفتخور دفاع می کنیم."

یانمیدانی که هزار چند تا است و یا...

وزیر راه و ترابری طی نطقی در
راهدان اعلام کرد که با سرتا ماهه های کسه
در دست احداث، ظرف ۶ ماهه یک سال
آسند سگاری در کشور از پس خواهد رفت
و با کمبود نیروی انسانی روبرو خواهیم
شد.
ما سکا اختیار با دین حکایت افادیم
که سکا اراما فرمان تا مردی را بحاظ
سارمانی هزار صیمره تا سکا بزنند.
مرد سکا ره گفت که: ای امیر یانمیدانی
هزار سعی چه و یا سکا کون تا زیاده بخورده ای.
سارده وزیر راه و ترابری گفت: ای
وریر، یانمیدانی تا یک سال خند را هست
و یانمیدانی ۲ میلیون سکا روسگاری -
یعنی چهار
اما دنیا را چه بدی، در حکومت اسلامی
معجزات و کرامات کم رخ نمی دهد! لابد
همان طور که ظرف دو سال حکومت اسلامی
تعداد دستاران را از ۳۰۰۰-۴۰۰۰ هزار نفر به
۲ میلیون نفر رساند، به همان آسانی
می توان در ۲ میلیون راه مفر برساند.

زندگی زحمتکشان اطراف سفیدرود در معرض خطر طغیان آب

طغیان ساحتیهای مختلف رودخانه
سفیدرود در فصل بهار، همواره یکی از
مهمترین مشکلات روستاهای اطراف این
رودخانه بوده است. بطور خاص روستای
"پائس محله مجازان" که با روستاهای
اطراف خود یعنی "تالامحله" و "لات محله"
دارای ۸۰۰ خوار است. در حدود ۱۰ سال
است که در معرض این خطر قرار دارند.
طغیان رودخانه هر ساله تعدادی از
خانه های آن را خراب کرده و بخشی از
مزارع سرخ آن را که با مشقت و رنج
فراوان کشت شده، از بین می برد. کلیه
تلاشهای روستائیان این منطقه که اکثر
خوش نفس هستند، برای کمک گرفتن از
مقامات مسئول بی نتیجه مانده است
سال گذشته روستائیان بعد از طغیان
رودخانه، تا ماهی ماه سکا نداشتند و
نقاعای کمک کرد دولتی حاکمیت نه تنها
پاسخی به آن نداد بلکه چند روز بعد
در رابطه با اعتراضی که این زحمتکشان
برای دستگیری یکی از جوانان روستا، در
جریان حمله به دادگاه کیلان کرده بودند
آن را سرکوب کرد.
امسال نیز روستائیان این منطقه
که هنوز هیچ تسهیلاتی از اقدامات خود
نگرفته اند، همچنان با اضطراب و نگرانی
سالان در آرزو دست گیری اند. آنها
در زندگی سرخ و ملال خود، هر روز بیشتر
در می سکا که تنها و تنها در پیوسته اتحاد
با یکدیگر و تشکیل شوراهای واقعی می توانند
بر مشکلات خود سروزنوند.

غارت تعاونی بازگیا گوراب توسط پاسداران

در شب کسسه شانزدهم فروردین
شرکت تعاونی "مهدی رضائی" واقع
در بازگیا گوراب لاهیجان مورد حمله
سیاه پاسداران قرار گرفت، این حمله
با مقاومت و اتحاد مردم که یکصدانگار
مرگ بر آمریکا" ارتکاب می کردند،
روبرو شد. تشدید حملات وحیانه سیاه
باعث کشته شدن دست و پایی یک زن
کارگر و مجروح شدن عده ای دیگر شد.
در این هنگام مردم به دادن شعار "مرگ
بر پاسدار" پرداخته و پاسگازان -
کردن ماشین سیاه، موفق به بیرون
راندن آنها از منطقه شدند. فردای آن
روز سیاه مجدداً برای جبران شکست
روز قبل به بهانه درگیری یک فالانژ
با عناصر مرفعی محل وارد محله شده و
شروع به غارت شرکت تعاونی کرده و
چند نفر هم دستگیری کردند. اهالی محل
که از مشاهده این همه اعمال ارنجائی
به ختم آمده بودند با دستگیری رئیس
کمیته منطقه و دستن ارنجائی سر و استه
به آن، سیاه را وادار به آزادی
زندانیان می کنند. این واقعه باعث
شده که ختم و وفرت از حرکت سرکوب
گرانه حاکمیت در میان مردم
بازگیا گوراب و روستاهای اطراف آن
اوج تازه بخود بگیرد.

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می کنند



سابقه تاريخي

خيانتهاي حزب توده (۴)

۱- "حزب توده" و

جمهوری اسلامی

حسابتهای "حزب توده" در دو ساله اخیر آنچنان روشن و گسترده است که بر شمردن تمامی آنها در این محمل نمیکنند. اما ما سعی خواهیم کرد بهر صورت با ذکر چند نمونه نشان دهیم که "حزب توده" چگونه "خط اصلی" خود در دنیا در روی از صاحبان قدرت را دنبال کرده و چگونه پشتک های بسیاری در این رابطه زده است.

حزب توده:

"ما میخواهیم دولت (بازرگان) ضعیف کردیم ما میخواهیم دولت دم دم در راه پیشبرد انقلاب تا سر انجام پیروز میماند آن نیرو مبدع گردید."

با انتخاب مهندس بازرگان بسمت نخست وزیری "حزب توده" این انتخاب را تبریک گفت و آما دگی خود را برای همکاری "بی سروصدا" با "دولت موقت انقلاب" اعلام کرد. "حزب ما از همه اقدامات مترقی دولت موقت حمایت کرده و میکند ما معتقدیم که چنین اقداماتی در برخی از زمینه های مهم زندگی سیاسی کشور وجود داشته و دارد، ولذا تذکرات کنونی ما تنها در این چهار چوب قابل درک و بررسی است. ما اعلام می کنیم که آما دها به در کمسیونهای وابسته به شورای عالی طرح های انقلاب شرکت کنیم و هما نظور که آقای مهدی بازرگان خواسته است میماند و خارج از برای ما سروصدا همکاری کنیم" (مردم - دوره جدید شماره ۲) "حزب توده" به این طریق آسانبوسی خود به صاحبان قدرت را تا حد همکاری "میمانه و خارج از زریبا و سروصدا" اعلام می کند و سپس مینویسد "ما نمیخواهیم دولت (بازرگان) را ضعیف کردیم ما میخواهیم دولت دم دم در راه پیشبرد انقلاب تا سر انجام پیروز میماند آن نیرو مبدع گردید". (مردم شماره ۴۳) اما زمانی که دولت بازرگان از قدرت به پایا کین کشیده میشود بین جابلوسی ها و متلفاتی جای خود را به "ختم انقلابی!" میدهد و "حزب فحاشی و افشاکری خود نسبت به بازرگان را با یک پشتک ما هرا نه آغاز میکند (جالب است که "حزب طرازیون طبقه کارگر" همواره در دنبال مبارزات خلق لیکن آن لیکن راه می آید و افشاگریها نیز زمانه است آغاز میگردند که خلق خود به ما هست این عناصر پستی برده است) دولت موقت پس از زریبتهای فراوانی که در انقلاب وارد آورد ما خط شد (مردم شماره ۱۳۱) و در شماره

۲۳۱ مردم مینویسد "ما پیروان خط برزیسکی را به هر لسانی که در آیند افشا خواهیم کرد" (اشاره به بازرگان) و در اینجا است که بازرگانی که "حزب" قصد همکاری "بی سروصدا" با او را داشت تازه به ضد انقلاب بدل میشود "آقای بازرگان با دفاع از امیرانتظام از "خط" خودش دفاع کرده است" خطی که امپریالیسم آمریکا را دشمن نمیداند... خطی که از تعمیق انقلاب بسود مستضعفین بیم دارد... خطی که به مدت نزدیک به ۸ ماه با سماجت انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران را ترمز کرده به "خط" گام بگام معروف است (مردم شماره ۱۲۶) اما جالب اینجاست با وجودیکه بازرگان ساقط شده امما آیت الله خمینی یعنی باعث وبانی تمامی این "زریبتهای فراوان" هنوز بر ار یکه قدرت است و بهین خاطر "حزب توده" تمامی کاسه کوزه ها را بر سر انقلاب و خلق می شکند و مینویسد:

حزب توده:

"وای که انقلاب ایران با گماردن شما (بازرگان) به نخست وزیری دولت موقت چه اشتباه بزرگی در برابر تاریخ مرتکب شده است"

از دریا سالار مدنی جز این انتظار نمی رود که بدروغ بخواهد ما سک حمایت از خلق برچهره بزند و سیاستهای سرکوبگرانه اش را به پیش برد و در عین حال از "حزب توده" نیز جز این انتظار نمی رود که تا مدتی که او در قدرت است مجیزا ورا بگوید، هر چند که مدنی کسی بجز تسمیه آریا مهری، سرکوبگر و عامل کشتار خلق عرب در خوزستان نباشد. "حزب توده" نه تنها تسمیه مدنی را "ضد امپریالیست و ضد استعمار" بلکه او را باعث وبانی عمران و آبادانی خوزستان میماند (به مردم شماره های ۱۲، ۵۴، ۱۰۴، ۱۱۸، ۱۱۹ و... مراجعه کنید) و نه تنها از کارشکنی ضد انقلاب (حتما "خلق عرب و نیروهای مترقی) در کارهای مثبت و مفید تسمیه را اظهار نگرانی میکنند بلکه حتی زمانی که این جلاد آریا مهری ارتش را "تدافعی و ملی" می نامد با خوشحالی از این مساله استقبال میکند و آنرا مورد تشدید قرار میدهد "وزیر دفاع تسمیه را دکتر احمد مدنی چندین بار سیاست خائنه و ضد ملی رژیم سابق را... محکوم کرده و اطمینان داده است که ارتش ایران یک ارتش تدافعی و ملی خواهد بود... اقدامات دولت موقت در این سمت مورد تشدید است (مردم شماره ۱)

"حزب توده" به این طریق به ارتش سرکوبگر خلفها، برکشتار خلقهای عرب و کرد و ترکمن و... صحنه مینهد و تمناهای اینها در شرایطی است که تسمیه را آریا مهری مدنی در شماره انتریه کار در اسفند ماه ۵۷ افشاء شده است "حزب توده" بر طبق سیاستهای اصولی خود فقط زمانی که تسمیه مدنی نزد همه افشاکش، فرار کرد و از قدرت بریزد افشاده با دافشای او می افتد و مینویسد بقیه در صفحه ۱۴

رهبری طبقه کارگر ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی
دمکراتیک خلقهای ایران است

مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی ادامه همان سیاست گذشته است

طبق معمول در آخرین روزهای سال، وزارت بازرگانی سیاستهای جدید صادرات و واردات سال آینده خویش را اعلام داشت. اما آنچه که ما مسأله جلب توجه نمود، چاروحنجالی بود که کاظم بیروزیربا زرگانی حول مسئله تغییرات مهم در مقررات جدید و همچنین تهیه و چاپ کتاب مربوطه در رسانه های گروهی برای آنداخت و کاریرا که پیشینیان ایشان همه ساله بطور بسیار عادی انجام میدادند، چنان بزرگ جلوه داد که کوشی چنین عملی برای نخستین بار انجام میگیرد. خودی در رابطه با "تهیه" این مقررات میگوید: "بنا تلاش شیا نه روزی دست اندرکاران و مسئولان این وزارتخانه توانستیم با وجود مشکلات عدیده ای کتاب مقررات واردات و صادرات سال جاری را تهیه و به چاپ برسانیم و این فعالیت در نوع خود بی نظیر بود." (جمهوری اسلامی ۶۰/۱/۱۰)

و با وزیر بازرگانی در سخنان خود میگوید: "مقررات جدید صادرات و واردات با توجه به مسئله اشتغال، خودکفائی صنایع، محدودیتها آرزوی تغییر الگوی مصرف کل جامعه که هوش تنوع کالاها و واردات و حذف غیر ضروریها... تهیه شده است." (اطلاعات ۶۰/۱/۱۱) عبارت دیگر وزارت بازرگانی مدعی است که امسال مقررات واردات و صادرات به عکس سالهای گذشته در جهت اصلاح و تغییر شیوه تولید و توزیع می باشد. ما برای روشن کردن این مطالب که در سیاستهای وزارت بازرگانی تغییرات چشمگیری حاصل نشده و حضرات فقط برای تحمیل زحمتکشان به دروغ ویرا کنی پرداخته اند، به کتاب مقررات عمومی صادرات و واردات سال ۶۰ که آقای وزیر مدعی است بنا "تلاش شیا نه روزی" او و دیگر مسئولان "تهیه و چاپ" شده، در نوع خود بی نظیر است و با توجه به مسائلی چون "خودکفائی صنایع"، "اشتغال" و... تهیه گردیده است، مراجعه میکنیم.

در صفحه اول این کتاب با کمال تعجب! میخوانیم که: "هیئت وزیران در جلسه ۵۹/۱۲/۲۸ بنا به پیشنهاد شماره ۲۸۰۴۸ مورخ ۵۹/۱۲/۲۷ وزارت بازرگانی بموجب اختیارات حاصله از قانون انحصار تجارت خارجی مصوب تیرماه ۱۳۱۱ و اصلاحیه آن مصوب تیرماه ۱۳۲۰ و با رعایت قانون شویق ماندرات و تولید مصوب اسفندماه ۱۳۲۲ و قانون واگذاری معاملات ارزی مصوب اسفندماه ۱۳۲۶ و قانون پولی و بانکی کشور مصوب تیرماه ۱۳۵۱ و قانون مورکمکی مصوب خردادماه ۱۳۵۰ و بنا توجه

به سیاستهای اقتصادی کشور مقررات عمومی صادرات و واردات سال ۱۳۶۰ را شرح بیوست تصویب نمودند" این نقل قول چنان گویاست که ما را از توضیح تکمیلی در اطراف آن بی نیاز می دارد چرا که اگر قرار باشد مقررات سال جدید با هم "به موجب" قوانین مصوبه زمان رضا خان عمل کند و با رعایت "دست بختهای بیسر خلغش حرکت نماید همه تنها نمیتواند در جهت خودکفائی صنایع و... کوچک ترین قدمی بردارد بلکه باید تکمیل آن مقررات را همچون تصویب کنندگانش به زبانه دانی تاریخ انداخت.

کتاب را با زهم ورق میزنیم و به ماده ۳ گانه مقررات واردات و صادرات بر میخوریم که از بخت بد وزیر محترم درست همان ماده ۳ گانه سال پیش است به انضمام چند تفاوت جزئی از قبیل اینکه: از این پس ورود قالب های مستعمل برای صنایع داخلی نیز مجاز است (تکمیلی ماده ۵)، دولت در صورت کمبود کالا، خود اقدام به واردات میکند! (تذکره ماده ۱) و اینکه برای تجارتی تاریخ ثبت سفارش، تاریخ ترخیص کالا مبنای کسب حقوق کمربکی و غیره میباشد (ماده ۱۶). مختصراً این مقرراتی را که آقای وزیر ادعای تهیه آنرا طی یک تلاش شیا نه روزی به خود و همکارانش نسبت میدهد، همانست که از گذشتگان به این وزارتخانه به ارث رسیده است و هرگز در نوع خود بی نظیر نبوده و نیست، چرا که هنوز اشتباهات چاپی سالهای گذشته را نیز بیدک میکند.

اگر کتاب مقررات را با زهم ورق بزنیم به جدول ۲۲۵ صفحه ای ضمیمه بر میخوریم که بر طبق آن سود بازرگانی و غیره از کالاها و وارداتی کسب میکند. در این ۲۲۵ صفحه نیز مطالب تقریباً بطور کامل فقط تجدید چاپ شده و سواى تغییرات معمولی جزئی و گاه بی معنا و خنده آور، هیچگونه تغییر قابل ذکر دیگری داده نشده است. اما جالب توجه است که این تغییرات جزئی و بدون برنامه که عمدتاً به قصد عوام مفریونی مطرح گشتند، بحدی در رسانه های گروهی بزرگ شدند که معاون وزیر که متوجه شوری بیش از حد آن شده بود در محاسبه خود اعلام کرد "تغییرات داده شده در مقررات واردات و صادرات دلخواه نیست". بهر حال حضرات کوشیدند موضوع ممنوعیت چند کالا، لزوم کسب اجازه از وزارت بازرگانی برای ورود تعدادی دیگر و یا با لایحه ای بریدن میزان سود بازرگانی، بعضی

همان کارهایی را که همه ساله در همه کشورها و از جمله در زمان شاه خاشن انجام میگرفت، به عنوان "شق القمر" وزارت بازرگانی و با به تعبیر آقای وزیر "عملی که در نوع خود بی نظیر بوده" به زحمتکشان قالب کنند.

و محوری که رژیم حول آن به تبلیغات گوش خراش پرداخت یکی موضوع ممنوعیت تعدادی از کالاها و دیگری تنزل سود بازرگانی تعدادی دیگر بود که تحت عنوان ایجاد تسهیلات برای تهیه مواد اولیه و تسهیلات برای تسهیلات بازرگانی عنوان شد. که در زیر مختصراً به آن میپردازیم بعنوان مثال در حالیکه روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۱/۱۵/۱ با تیتردرشت از معاون وزیر بازرگانی نقل میکند که: "از ورود کالاهای لوکس و غیر ضروری جلوگیری خواهد شد" و در خواننده این شبهه را القاء میکند که گویا از این پس اجناس لوکس مورد مصرف شروتمندان وارد نمیشود، در قوانین امسال تنها از ممنوعیت "لباس و کفش یا له، مجلات هنری، کارت پستال، آلات موسیقی، لوازم بدمینتون، میزبیلیا ردوبرای خالی نبودن عریضه از آبگرمکن نفتی و فریزر خانگی صحبت می رود. در رابطه با این ممنوعیتها بدنیت بدانید که: اولاً میزبیلیا رد، کفش و لباس یا له و کارت پستالهای، مجلات هنری و آلات موسیقی و لوازم بدمینتون از اجناسی است که پس از قیام بعثت مصرف نداشتن، خود بخود بکشور وارد نمیشدند تا نیا اگر معیار برای ممنوعیت اجناس، لوکس بودن است مگر در بین های قبلم برداری خانگی ضبط صوت های استریو و کوآدرافونیک، لوازم آرایشهای آنچنانی، لباسها، مجسمه ها، ظروف، لوازم اسکی روی آب و برف و... خارجی جز "لوازم لوکس نیستند که ورودشان آزاد است؟ کالای آنچه که تاکنون بعنوان آبگرمکن خارجی وارد میشد، نه آبگرمکن های نفتی که آبگرمکن های گازی بودند که طبق مقررات جدید فقط نوع نفتی!! آن ممنوع شده است. و تا زمانه آخر پس از اینکه در بوق و کرنا میدن مبنی بر ممنوعیت اجناس لوکس بسیم وزیر مکتبی نظرش چیست: "اگر برای بعضی از کالاها بی که ممنوع الورد شده اند، بازاریابها وجود آید، خود دولت ورود کالا را بعهده خواهد شد گرفت تا بازاریابها را بشکند" (اطلاعات ۶۰/۱/۱۱) چنانکه می بینید اینهمه داد و ستد ها فقط برای تحمیل زحمتکشان بوده است و در صورتیکه قرار باشد هر یک از اجناس ممنوع الورد بقیه در صفحه ۱۴

سود ویژه که قسمتی از دستمزد کارگران است پرداخت باید گردد



دردوشماره قبل راجعه به "موقعیت انقلابی و" اعتدالی انقلابی" پاسخ گفتیم. در این شماره به توضیح "دوران انقلابی" می پردازیم.

دوران انقلابی

یکی از مهمترین و بارزترین ویژگیهای مارکسیسم - لنینیسم که در سایر تئوری ها نمی توان از آن سراغ گرفت، بازشناسی خلایقیت و ابتکار انقلابی بوده ها و نیز نقش افراد، سازمانها و احزاب در جریان تحولات عینی اجتماعی است. سوسیالیسم علمی در تحلیل شرایط تکامل بشری و موقعیت های عینی اجتماعی، جایگاه بسیار بااهمیتی برای ارزیابی "دوران انقلابی" قائل است. چه در این دوران است که نقش طبقات اجتماعی در تعیین بخشیدن به اشکال متنوع زندگی اجتماعی به عریان ترین شکل و مستقیم ترین وجه آن نمودار میشود و نیز بنیادهای روبنای سیاسی حقوق نوین پایه میگردد. در این دوره تضادهایی که طی یک پروسه تکامل آرام و مسالمت آمیز انباشته شده اند، زمینه حاصل می یابند. از این رو در چنین دورانی بهتر از هر زمان دیگر میتوان به ماهیت طبقات مختلف و گرایشهای سیاسی ایدئولوژیک پی برد. لنین میگوید که در چنین دورانی مارکس "حیاتی ترین، مهم ترین، اساسی ترین و قطعی ترین لحظات تاریخ جوامع بشری را استخراج مینماید. در فعالیت مارکس و انگلس دوره شرکت آنها در مبارزه انقلابی بوده ها در سالهای ۴۹-۱۳۴۸ به مثابه یک نقطه مرکزی بحساب می آید. آنها با حرکت از این دوران (دوران انقلابی)، مفدرات جنبش کارگری و دموکراسی کشورهای مختلف را تبیین مینمایند." (لنین علیه تحريم - مجموعه آثار - جلد ۱۲). پس از این مقدمه، حال ببینیم "دوران انقلابی چیست؟

بطور کلی دوران انقلابی پروسه ای از حیثیات یک جامعه را تشکیل میدهد که در آن، گذران عادی زندگی اجتماعی دستخوش تکانهای نیرومند شده و در زندگی معمولی طبقات اجتماعی تغییرات سریع و آشکاری رخ میدهد. دوره ای از کشاکش بین انقلاب و ضدانقلاب است که تا پیروزی قطعی یکی از این دو، بارها شاهد موضع تهاجمی یا تدافعی این یا آن یک میشویم. در این پروسه مبارزه بین طبقات انقلابی و ضد انقلابی شدت میگیرد و پیروزی و تحولات سریع و انفجارهای سیاسی

پاسخ به سئوالات

و اجتماعی حاد اجتناب ناپذیر میگردد. بهتر است این پروسه را در ابعاد مختلف زندگی یک جامعه مورد بررسی قرار دهیم:

۱- اقتصاد جامعه را یک بحران عمیق در خود فرو میبرد. این بحران سبب نابودی فزاینده نیروهای تولیدی و فقیر شدن چشمگیر توده های محروم میشود. در طول این پروسه بحران فروکش نکرده بلکه گسترش و تعمیق میابد.

۲- دولت حاکم که پایه های موجودیتش به مخاطره می افتد به سرکوب آشکار و اعمال نظامی خشن روی می آورد. این خود به نا رهایی دامن زده و زمینه طغیانهای اجتماعی و پیروزی بحران سیاسی را فراهم میکند. گاه در شرایط تهاجم انقلاب، حکومت با یک سلسله تضادهای حاد درونی مواجه شده و تمرکز دستگاهها بش دستخوش تزلزل کم میگردد. شدید میگردد. در این شرایط تحت فشار توده های ناگزیر به پیگیری اصلاحات تن میدهد که این امر در واقع خود نشانه مقدمه فرار شدن انقلاب است. در این دوران به موازات پیشروی انقلاب، ضد انقلاب به یک تدارک تدافعی وسیع دست میزند تا برای حمله بعدی آماده و مجهز باشد بقول مارکس یک ضد انقلاب بهم فشرده و محکم "بوجود می آید.

۳- برخلاف دوران ضدانقلابی (آرام)، در این دوران، فشار شرایط عینی نه فقط مانع از نفوذ ایده های ضد انقلابی در بین توده ها شده بلکه توهमत آنها سرعت در هم میشوند. توده ها هر روزه میزان وسیعتری به سیاست روی می آورند مبارزات توده ها به موازات موج جریان می یابند. هم سر به تمام نقاط سرایت میکنند و هم پس از حرکت به درجه عالیتری ارتقاء می یابند. انقلاب هر روز طائف نوین و عالیتری در برایشان قرار میدهد، از این رو آگاهی توده ها و درجه سازماندهیشان به سرعت تکامل و شرکت مستقل آنها در زندگی سیاسی افزایش می یابد. این یکی از وجوه مشخصه دوران انقلابی است لنین در این زمینه میگوید: "آنچه که دورانهای انقلابی را از دورانهای به اصطلاح انکشاف صلح آمیز، دورانهایی که شرایط

اقتصادی باعث بحرانهای عمیق با جنبشهای قدرتمند توده ای میشوند، متمایز می نماید. دقیقاً این نکته است که اشکال مبارزه در دوران انقلابی به نهایت بسیار متنوع تر بوده و مبارزات مستقیم انقلابی توده ها بر فعالیت های تبلیغی و تهاجمی رهبران در پارلمان، مطبوعات و غیره مسلط است." (لنین - ارزیابی انقلاب روسیه - ترجمه فارسی).
مثلاً در دوران انقلابی ۷-۱۹۰۵ مبارزات توده ها (تحت رهبری پرولتاریا) در عرض مدت یکسال به یکی از قطعی ترین اشکال شناخته شده "تهاجم انقلابی در تارخ" (لنین - انقلاب و ضدانقلاب مجموعه آثار - جلد ۱۳) یعنی قیام مسلحانه ارتقاء میابد و از عنصر ذهنی سبقت میگیرد.
در دوران انقلابی امکان دارد که در پی راهی از مواقع، مبارزات توده ها در اثر تهاجم ضدانقلاب به حالت تدافعی بیافتد و حتی شکست مقطعی بخورید، لکن این امر از کیفیت مبارزات آنها نمی گذرد بلکه میتواند حتی بصورت یک نقطه عطف در تکامل مبارزات آنها در طول همین دوران، در آید. در این مورد میتوان از شکست قیام دسامبر در سال ۱۹۰۵ نام برد.
۴- در دوران انقلابی یک تجزیه طبقاتی در بین مردم صورت میگیرد. بحران اجتماعی هر چه را که مخفی بود عینی میسازد. فشار شرایط عینی این تجزیه را هر چه بیشتر عریان میکند. بموازات گسترش بحران ملی، صف بندی طبقاتی اشکال متمایز و متکاملتری بخود میگیرد. این امر مستقیماً در وضعیت گروه بندی های حزبی و سیاسی بازتاب پیدا میکند. لنین در این مورد مینویسد: احزاب تمامی قوای خود را متمرکز میکنند و توده های مردم را مخاطب قرار میدهند و توده ها هم که غریزه صحیح راهنمای آنهاست و تجربه مبارزه آشکارا ذهن آنها را روشن کرده است، بدنبال احزابی میروند که منافع فلان یا بهمان طبقه را بیان نمایند. همیشه در دوره چنین بحرانهایی است که گروه بندی حزبی نیروهای اجتماعی برای سالهای زیاد و حتی برای دهها سال معین میشوند. مثلاً در آلمان نمونه چنین بحران جنگ های ۱۸۶۶ و ۱۸۷۰ و در روسیه - حوادث سال ۱۹۰۵ بود. (لنین - احزاب سیاسی در روسیه - منتخب آثار - چاپ فارسی).
دقیقاً در چنین دورانی است که زمینه مادی برای افشای ایده های رفرمیستی و جلوگیری از گسترش روحیات خرده بورژوازی در بین توده های کارگرو سازمانهای سیاسی پرولتاریا پیش از هر زمان دیگری به کمک نیروهای کمونیست می آید.

پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی دموکراتیک خلقهای ایران

سابقه تاریخی خیانت‌های "حزب توده"

بقیه از صفحه ۷

احمد مدنی... با جاسوسان آمریکا را بطنه داشته است (مردم شماره ۱۵۰) - دقت کنید دیگر "تیمسار دکترا حمید مدنی" به احمد مدنی تبدیل شده (و حتی تا جایی پیش می‌رود که در شماره ۳۰۱ مردم (۳ مرداد ۵۹) با زرگان را بخاطر حمايت از مدنی مورد تمسخر قرار میدهد و میگوید "مهندس با زرگان که برای بررسی اعمال مدنی به خوزستان دعوت شده بود در آنجا به مردم گفت: من میگویم درود بر مدنی، درود بر مدنی... ما "حزب توده" که اکنون دست به افشای مدنی‌ها و زرگان زده است نمیگوید که در زمان قدرت‌تصداری این دو خودا و هواره فریاد می‌زد "درود بر مدنی، درود بر با زرگان"

"حزب توده" در دو سال اخیر از این دست پشتک‌ها بسیار زده است، و هیچ‌یک از سران دولت را از تعریف و تمجید خود بی بهره ننهاده است. در شماره ۱۵ مردم نطق دکتریزدی وزیر امور خارجه را "اقدامی ضروری برای بسیج نیروهای راستین انقلاب مینامد و این در زمانی است که مردم "لهجه" آمریکا می‌تزدی و مورد تمسخر قرار میدهند. "حزب" تا جایی پیش می‌رود که سران کاخ ارتش را "ظلمی می‌کند و حتی در مردم شماره ۲۳ با تیترو درشت مینویسد "حق با رئیس ستاد است" و سپس به تائید سخنان تیمسار سر لشکر فریدمی پرداخته که گفته "وظیفه ارتش با بدعتی از مرزهای کشور باشد و ارتش باید خلقی و مردمی یا دموکراتیک..." و این درست در زمانی است که

اخبار برگزاری روز اول ماه مه در شهرستانها همدان

هواداران سازمان در همدان همسانیت روز جهانی کارگریک راهیما شی بر گزار نمودند. در این راهیما شی غیر غم‌دروغ و غیر دزیه‌ها و تهدیدها را دیو همدا زونیز بسیج دستجات حزب الله و حمله به صف نظا هر کنندگان، صدها تن از هواداران سازمان شرکت نمودند و روزا تحا دو همبستگی جها نی کارگران را گرامی داشتند.

اینرا هیما شی با تجمع در اول خیا سان شهدا آغا زودر جا ده کمر بندی ختم گردید. در پیا پیا راهیما شی قطعنا مه راهیما پیا ن خوانده شد.

آمل

روز پنجشنبه ساعت ۹/۵ صبح صدها تن از مردم آمل بدعوت هواداران سازمان به مناسبت روز جهانی کارگریک راهیما شی شرکت کردند. این مراسم که با استقبال مردم شهر و بیرو گشت، بدون درگیری یا نیافت. راهیما پیا نیل ز طی خیا یا نها یا صلی شهر یک ساعت پس از آغا ز راهیما شی خواندن قطعنا مه متفرق شدند. در این قطعنا مه ضمن تاکید بر رهبری طبقه کارگر بعنوان تنها ضامن پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی و دموکراتیک توده‌ها و محکوم کردن جنگ دولتی‌ها پیا نیو عوا قبا را دیها پیا نی و حقوق دموکراتیک توده‌ها تاکید کرده بود.

ارتش به کشتار خلق کرد و به خون کشیدن خلق ترکمن مشغول است.

"حزب توده" صادق خلغالی این جلاد خلق ترکمن و کرد، این قاتل دیوانه و این دژخیم دهها انقلابی را مورد لطف قرار میدهد و اعلام میدارد که در هر نقطه‌ای که آیت الله صادق خلغالی کاندیدا شده باشد ایشان را خواهد داد (اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ۵۸/۵/۹)

البته این مساله در جایی که "کاندیدای مبارز" حزب" مسئول سازمان ایالتی "حزب توده" ایران در اصفهان ساواک و آب در می‌آید بنا بدزیه‌ها عیب نباشد. حتی در این مورد هم حزب صادق نیست حزب توده که در معرفی نامه غلامرضا روحانی شهرکی مینویسد: "کارگر مبارز و وفادار به آرمان طبقه کارگر، رفیق غلامرضا شهرکی، از مسئولین سازمان ایالتی ایالتی حزب توده ایران در اصفهان... وفاداری به آرمانهای طبقه کارگر و استمرار مبارزه برای تحقق اهداف حزب توده ایران... زرفیق روحانی شخصیتی مورد اعتماد و قابل احترام برای همه زحمتکشان ساخته است (مردم شماره ۴۵) پس از افشای مدارک ساواک وی اعلام میکند "اینکه ساواک زده‌ای بتواند در صفوف حزبی که دهها سال در سخت ترین شرایط از جمله سالیان دراز در شرایط مخفی مبارزه کرده و تازه فعالیت علنی خود را آغاز نموده رخنه کند جای شکفتی نیست" (دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران، مرداد ۵۸)

بهر حال "حزب توده" پشتک زسان به پیش می‌رود، سر به آستان قدرت‌تصداری می‌ساید و توده‌ها را در این راه قربانی می‌سازد. "حزب" این سیاست خود را پس از سقوط دولت با زرگان نیز ادامه میدهد

ادامه دارد

مقررات صادرات و واردات وزارت...

بقیه از صفحه ۸

بازاریا به پیدا کند و طبقا "قیمت‌ش با لارود دولت حامی مستضعفان تحمل نخواهد کرد! و خود اقدام به ورود آن کالا می‌نماید..."

بازاریا به بشکند!

و درست بهمین گونه است جاسارو جنجال حول مسئله فراهم شدن تسهیلات برای تهیه مواد اولیه گدسه روزنامه جمهوری اسلامی مسسورخ ۱۳۶۰/۱/۱۵ آرا با تیترو درشت از قبول معاون وزیر بازرگانی به مردم اعلام میدارد. در همان مباحثه آقای معاون مدعی میشود که "تغییرات مهم!! دیگر در مقررات واردات و صادرات امسال این است که... برای تهیه مواد اولیه تسهیلاتی بوجود آورده ایم در صورتیکه در گذشته موضوع معکس بود... این کار برای تشویق تولید داخلی و در نتیجه برای رسیدن به خودکفایی در کشور است."

اما معکس گفته‌وی لطف کنسبات مقررات سال ۶۰ همچگونه تغییر در

رابطه با تنزل سود بازرگانی و غیره در مواد آلومینوئیدی، آنزیم ها، مواد پلاستیک مصنوعی، کاتوجوی طبیعی و مصنوعی، شبه کاتوجو، پوست، جرم مواد اولیه کاغذ سازی، محصولات گوناگون صنایع شیمیایی، شیشه و مصنوعات آن نخهای نساجی، محصولات شیمیایی غیر آلی... داده نشده است و به همین گونه است در رابطه با غلات، میوه های تازه و غیره.

لیک آنچه که روزنامه‌ها وابسته از قول وزیر نقل کرده و بزرگش می‌کنند افلامی است چون قطعات منفصل... موتورهای غیر بنزینی و قطعنا سات کشا ورزی که توسط بنگاه توسعه کشا ورزی (وابسته به وزارت کشا ورزی) ویا دوکهای ریستدگی مورد استفاده کارخانجات ریستدگی، که دولتی هستند. و اعلام این مطلب صرفا "به دلیل عوامفریبی بوده است چرا که طبق تصویب نامه هیئت وزیران مسورخ ۵۹/۸/۵ کلیه کالاهای مربوط به وزارتخانه ها، موسسات و شرکت‌های دولتی، ارتش، سپاه، جهاد سازندگی و... از مصافحت حقوق کمربکی و غیره برخوردارند بنا بر این دیکر لزومی به تکرار آن بشود دیگر نبوده حسی عوامفریبی!

سوی همد این مسائل، ایجاد موعبت برای جیدکالایا...

و افزایش سود بازرگانی چند قلم دیگر، اصلا" چه ربطی به مشکلات بیکاری، "خودکفا کردن صنایع"، "تغییر الگوی مصرف کل جامعه" و... دارد.

بنا بر این می بینیم که این مقررات نیز هرگز جدا از تلاش هیئت حاکمه برای بازسازی سیستم سرمایه داری و جدا از قوانین کل سیستم نبوده و نیستند و چنانکه دیدیم گرچه در ظاهر ممکن است چهره‌ای مترفی یابند، لیکن اگر ما یک آنرا خراش دهیم، همان مقررات قدیمی از پشت آن هویسدا میگردند و حرکت جدید وزارت بازرگانی هم سان کل سردمداران رژیم ستاد راه حفظ و بازسازی سیستم سرمایه داری وابسته به امپریالیسم بانول سد سلاح دروغ و فریب زحمتکشان میباشند که حاصل کاره ۵۰ ساله سلطنت پهلوی و دولت بازرگان و شورای انقلاب است و آنچه قبیل و فال و مصالحه رادیسو تلویزیونی و مطبوعاتی، حمد در حبس رسیدن به خواست حضرات عسی حمسی توده‌ها و ادامه حیات سیستم موجود بوده و خواهد بود و در یک کلام و سرحدید میگویند همان آتش خوردست حبت در و سز و با زرگان را با افزودن کمی ادویه، بعنوان غذائی جدید و لذیذ به حور د زحمتکشان بدهد.

گزیده‌های از: اعلامیه‌های شهرستانها

خرم آباد

رژیم جمهوری اسلامی همچون دیگر رژیم‌های ضدانقلابی عملاً "سان داده است که به تنهایی از مبارزات سازمانهای انقلابی بلکه حتی از نام پهلوی آنان بیروحت و هراس عظیمی دردل دارد. اقدام ضدانقلابی هاشمی رفسنجانی برای تغییر نام بیمارستان دکتر هوشنگ اعظمی که در سفرا خورشید به لرستان عزت گرفت گویای این واقعیت است. درخششهایی از اعلامیه‌های سازمان در خرم آباد که در این رابطه منسوخ شده آمده است:

"سفرا خورشید رفسنجانی ... به آنها مورد استقبال مردم خرم آباد و سایر شهرها به اشکال مختلف سفروا سرجار آنها را برانگیخت یکی از دستاوردهای این سفر برای نوده‌ها تغییر نام بیمارستان دکتر هوشنگ اعظمی بود. عکس العمل مردم در مقابل این عمل ضدانقلابی با این تارک اندیسان نشان داد که نام انقلابیون بزرگی همچون دکتر اعظمی همیشه در قلب زحمتکشان رنده و جاودان است وقتی مسئولین با صوف فشرده و عزم آهنین بوده‌ها رو برو گردیدند هراسناک از اوج گیری مبارزات آنان تن به عقب نشینی مفتضحانه‌ای دادند"

"... حرکت عتبات لرستان بخصوص ایل برانودنا جنبشانی و شرکت وسیع نوده‌های زحمتکشان در جلوسا ننداری جهت اعتراض به این عمل ضدانقلابی و راهیما می‌آنان ب طرف بیمارستان و سپس نصب نام دکتر سر سردر بیمارستان، نمونه‌ای از اتحاد و همبستگی نوده‌ها و عزم آهنین آنان جهت مقابله با حرکت‌های سرکوبگرانه و ضددموکراتیک مسئولین جمهوری اسلامی بود."

آمل

بدیال حمله پاداران جمهوری اسلامی به هواداران مجاهدین خلق در آمل که در تاریخ اول اردیبهشت صورت گرفت، هواداران سازمان در این شهر با انتشار دو اعلامیه، ضمن افشای سیاست‌های ضددموکراتیک و سرکوبگرانه رژیم جمهوری اسلامی، مردم مبارز آمل را به حمایت از نیروهای انقلابی فراخوانده‌اند. رفقا درنا کیدبدر ضرورت اتحاد عمل نیروهای انقلابی در مقابل تهاجمات وحشیانه رژیم میگویند: "آنگ در مقابل یورش وحشیانه او با شان رژیم جمهوری اسلامی، تنها اتحاد عمل همه نیروهای انقلابی و حمایت همه حاسه مردم مبارز است که میبایست از من حفظ دستاوردهای قیام و آزادی‌های دموکراتیک باشد."

بابلسر

انتشار "سی سی لیک"
نشریه هواداران سازمان در بابلسر

لزوم کنترل صید توسط شورای صیادان

هواداران سازمان در بابلسر نثریه‌ای بنام "سی سی لیک" منتشر کرده‌اند. دومین شماره این نشریه حاوی چند مقاله درباره مسائلی است که مربوط به سیاست‌های دولت میشود، یک شعر، یک گزارش کارگری از منطقه و نیز مقاله‌ای در رابطه با لزوم کنترل دریا توسط شوراهای صیادان. ضمن آرزوی موفقیت و پیروزی برای این رفقا و امید ارتقاء نشریه، حتی از مقاله مربوط به صیادان را در اسفند نقل میکنیم:

"یکی از مسائلی که این روزها صیادان با آن دست‌گیر می‌شوند، مساله سر رسیدن مهلت صید میباشد. در واقع دولت با مطرح کردن جلوگیری از صید، به فکر منافع سرمایه‌داران میباشد نه فکر وضعیت زندگی صیادان و با اینکه سالهای آینده نیز نتواند ما می‌صید شود از نظر دولت جمهوری اسلامی نجات نسل ما می‌شود از گرسنگی و حتی مرگ صیادان و خانواده‌ها بی‌ان ارزش دارد. (زانی نسل ما می‌باشد صیادان با تصور کوچک می‌زیند سرمایه‌داران با وسایل بیخبرفته؟ از فضای بابلسر در بابلسر دریا بیان مقاله منویسند:

"صیادان باید با تشکیل شوراهای خود در راه بدست آوردن این حقوق به مبارزه برخیزند و نه با "بندستگیری کنترل صیدیه رژیم جمهوری اسلامی و دیگر رژیم‌های مرتجع سرمایه داری. نشان دهند که زحمتکشان خود بخوبی در خود را می‌شناسند و عاقبت علاج آنرا نیز خواهند یافت."

"مبارزه ضد امپریالیستی"
از حرف تا عمل
در اتوبوس شرکت واحد پیروان زحمتکشی که با برگرفته خودش خانه‌اش در کتا رسیلوهای تهران قرار دارد، با ناراحتی میگفت "ما از دست این دولت آمایش نداریم. روزها صدای فریادهای مرگ بر آمریکا بش گوشمان را کر میکند و شها از صدای خالی کردن گندمهای آمریکایی در سیلوها صفا خوابمان را حرام میکند."

شیوه‌های مشترک سرمایه‌داران در سرکوب زحمتکشان

جمهوری اسلامی
یکشنبه ۳۰ فروردین ماه ۱۳۶۰

● اظهارات اسرارآمیز کرج
این عده که قصد بستن راه نادر کتی تهران و شهرستانهای دیگر را داشته با هشجاری مسافران انقلابی دستگیر شدند و بازجویی و شکنجه بطور گسترده از آن‌ها انجام دادند.

● اظهارات استاندار تهران
از طرفی در کتا روی کتانی است که آب به تهران میرساند و اگر آنها بپوش می‌شدند که جریان آب را قطع کنند قسمت عمده‌ای از کشاورزی در نزدیکی تهران از بین می‌رفت.

کتابخانه و دفتر گردان
تهران راه صفت گردان

چند ماهی پیش در بخش "جنبش جهان‌نی" خبری داشتیم مبنی بر اقدام انقلابی زحمتکشان آلونک نشین برلن غربی در اشغال ساختمانهای خالی سرمایه‌داران و حمل و پلین فاشیست آلمان به ایمن زحمتکشان بیدفاع.

هفته پیش خبر گزاریهایی جهان اخبار تظاهرات هزاران تن از جوانان مترقی ۱۸ شهر آلمان را در پیشتهایی از آلونک نشین‌ها مخابره کردند.

در مقابل این موج حمایت مردمی از خواست‌های زحمتکشان، گروه‌ها و احزاب فاشیستی و راستگرای وابسته به سرمایه‌داران نیز به کمک نیروهای سرکوبگر پلیس شتافتند. از جمله "فرانس ژوزف اشتراوس" عضو سابق حزب نازی و عضو فطنی حزب دمکرات مسیحی آلمان نیز وقتیکه در درنا شید سرکوب زحمتکشان توسط دولت اظهار داشت:

"آلونک نشینها مرکز اقدامات تروریستی جدید هستند"

می بینیم که چگونه این فاشیست کهنه کار سعی دارد سیاستهای سرکوبگرانه دولت امپریالیستی آلمان را تظاهرات کرده و زحمتکشان را تروریست جلوه دهد. چنین صحنه‌هایی در گوشه و کنار جهان سرمایه‌داری هر روز تکرار می‌شود. ما هدیم که چگونه سرمایه‌داران جمهوری اسلامی در توجیه سرکوب زحمتکشان ساکن "گرمدره" و پیران کردن بیش از ۶۰۰ خانه مسکونی آنها، این زحمتکشان را "توطئه‌گستر" نامیدند. بریده‌های روزنامه جمهوری اسلامی که در زیر کلیشه شده است به خوبی شایتهایی ناگزیر سیاست‌های ضد خلقی را در اینسو و آنسوی دنیای سرمایه‌داری نشان می‌دهد.

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

هیئت بررسی شکنجه میگوید: با وجود آنکه...

بقیه از صفحه ۱

دوم اینکه اوباکمال
و قاحت گفت: بر اساس بررسی های
انجام شده شکنجه در ایران وجود
ندارد. سوم اینکه افرار کرد که اگر
هم شکنجه وجود داشته در ۶ ماه قبل
بوده و چهارم اینکه: "مادر یاقینیم
مسائلی که در زندانهای ایران جریان
دارد افتخار جمهوری اسلامی است."
بشارتی اذعان کرده که تاکنون
"هیئت" به سه هزار و شصت و بیست
برونده شکات درباره شکنجه رسیدگی
کرده است. بدیهی است که این برنده ها
بجز مواردی است که بطور شفاهی در
زندانهای که هیئت بازدید کرده،
زندانسان به "هیئت" شکایت کرده اند
و این بجز آنهایی است که تاکنون
رسیدگی نگردیده اند! ما همین ۳۶۲۰ پرونده
را در نظرمی گیریم. آیا تشکیل ۳۶۲۰ -
برونده شکایت از اعمال شکنجه توسط
ما مورین دولت جمهوری اسلامی برای
مدت دو سال حکومت انگ آوریست،
ممکن است ایشان ادعا کنند همه این
شکایت ها کذب محض بوده است که در
اینصورت این سؤال پیش می آید آیا
کسی در جمهوری اسلامی جرئت میکند
بدون ترس از مجازات شکایتی کند که
منتی بر دوزخ بوده و اساس و پایه
نداشته باشد؟! نکند بشارتی هم
میخواهد بگوید این سه هزار و شصت و
بیست شکایت هم شکایتی بوده که
تا کیان را خودشان یا از رفقاییشان
شکایت کرده اند یعنی خودشان، خودشان
را شکنجه کرده اند؟!
مسئله دیگری است او گفته است
هزار ایران شکنجه وجود ندارد. اما
بلافاصله دم خروس از زیر قیاس پیدا
میشود و وقتی که میگوید "اگر هم بوده
مربوط به شماه قبل بوده است؟! این
سخن بشارتی حاوی دو نکته است: از یک
طرف میخواهد بگوید از هگا میک (شما ه
پیش هیئت رسیدگی به شکنجه تشکیل شد
از ترس ما شکنجه ها قطع شده است و از
از طرف دیگر اقرار میکند تا شماه قبل
یعنی درست تا پیش از تشکیل "هیئت"
شکنجه وجود داشته است. ما سؤال
میکنیم مگر علت تشکیل هیئت بررسی
شکنجه چه بود؟ مگر این که پس از
آنکه کوس رسوائی اعمال شکنجه را بر
سرهکوی و با زار زردندویس از افشاکریهای
نیروهای انقلابی، بنی صدر در روز -
عاشورا (اوایل آبانماه) در میدان
آزادی ساین امر اشاره کرد، پس از آن
هیئت رسیدگی به شکنجه بدستور
آیت الله خمینی تشکیل شد. پس وظیفه
هیئت بررسی هم همین بوده که به
اعمال شکنجه تا آن موقع رسیدگی کند

به درددل قربانیان شکنجه توجه کرده
موارد شکنجه را مشخص کند و اعلام
به مردم معرفی کند!
وبالاخره با مجازات این عاملین
از تکرار شکنجه جلوگیری شود! اما
آقای بشارتی و سایر همسالکهایش چه
کردند؟ آنها از همان ابتدا وقتی اسم
هیئت خود را "هیئت رسیدگی به شایعه
شکنجه" گذاشتند "بی طرفی" خود را
نشان دادند و پس از آنهم در هر مصاحبه ای
که میکردند به توجه شکنجه نسبت
عنوان "حذری" برداخته و شکنجه گران
را تظہیر کردند. ما از همان ابتدا در کار
۹۱ نوشتیم: "ما این هیئت هجکگاه
بی طرف نبوده و اکثر "طرفدار حزب
جمهوری اسلامی مستندحتی عصری نظیر
بشارتی در آن شرکت دارد که استاد
همکاری وی با ساواک قبلا" از جانب
نیروهای انقلابی افشاء شده است! (و
اخیرا" اسناد بیشتری افشاء گردیده)
و در نتیجه مسلما" عملکرد این هیئت
و نتایج بررسی آن نمیتواند مورد
اعتماد خلق باشد."
و همین حالاهم که اذعان کرده اند
تا شماه پیش شکنجه اعمال میشده، از
معرفی عاملین شکنجه و مجازات آن
خودداری می کنند! آری بشارتی نه
تنها مسئله شکنجه را ماست مالی میکند
بلکه در کمال وقاحت میگوید: "ما
در یاقینیم مسائلی که در زندانهای
جریان دارند افتخار جمهوری اسلامی است!"
ما در مقالات گزرا تات متعدد و همچنین
نیروهای انقلابی، بکرات، از جریاناتی
که در زندانها میگردد برده بزدلیم:
شلاق زدن زندانیان ساسی، ضرب و
شتم زندانی توسط ما مورین زندان و
توسط گروه ضربتی که بدست کجوشکی
رئیس زندان اوین توسط اوباششان
در زندان تشکیل شده و هر چند گاه یکبار
بجان زندانیان بخصوص بند زندان
می افتد، شکنجه روحی زندانیان،
بی خوابی دادن به زندانی، زدن دستند
قبای، آویختن از سقف، ریختن ادرار
بر سر زندانی، هم سلول گسردن
زندانیان سیاسی زن با زنان بدکاره و
مردان مست، بوجود آوردن صحنه های
اعدام در محوطه زندان، تجاوز به
زنان و مردان، سوزاندن با آتش سیگار
کندن موی سر و صورت و تراشیدن موی
سریاتغ کند، انداختن زندانیان
سیاسی با قاچاقچیان خیانتکاران، ساواکها و
کودتاچیان و اعمال انواع واقسام
شکنجه های روحی، توهین، هتک حرمت
بستن در سلولها، عدم تامین جانی،
در اختیار نگذا ردن وسائل بهداشتی در
اختیار زندانیان که این امر موجب
مبتلا شدن زندانیان به انواع بیماریهای
گوناگون پوستی و عفونی شده است.
حتی خانواده زندانیان سیاسی از ضرب
و جرح مصون نمانده اند.
بله آقای بشارتی! اینها هستند
"جریاناتی" که در زندانها میگردد و
با عت افتخار جمهوری اسلامی است؟!
"جریاناتی" که بارها و بارها در

تهران، بندر عباس، رشت، مازندران
و..... اعصاب غذای زندانیان سیاسی
را موجب شده و زندانیان زن در زندان
اوین از تاریخ ۱۰ فروردین بهمین دلیل
دست به اعتصاب غذا زدند. مثلی است
که میگویند به کار روبدهی ظلمکار
میشود. چیزی نماینده است که هیئت
بررسی شکنجه بخواهد شکنجه گران کمیته ها
و سپاه پاسداران و با زجوهای زندان
و عناضریسیج در تهران و شهرهای نامورد
تشویق هم قرار گیرند. و یا شکنجه گران
معروفی چون "سیدعلی" در کمیته میدان
خراسان و با زجویان زندان ها و به
شکنجه گران چون کجوشکی رئیس زندان
اوین و لاجوردی دادستان انقلاب تهران
که خود در ضرب و جرح و توهین و فحاشی به
زندانیان شهره خاص و عام هستند
جایزه هم بدهند!
البته اظهار نظر بشارتی و اعلام
نتایج "تحقیقات" هیئت بررسی شکنجه
برای ما تعجب آور نبود ما از همان بدو
تشکیل هیئت چنین وضعی را پیش بینی
میکردیم وقتی چند ماه پیش در کار ۹۹
نوشتیم:
"برای مردم جالب است رژیم که
متمم به اعمال شکنجه است کمیسیون
رسیدگی به اعمال شکنجه خود را تشکیل
میدهد و اعضای این کمیسیون را از میان
سردمداران خودی انتخاب کند!! این
مثل اینست که از متمم به قتل بخواهم
بعنوان دادستان علیه خودی مدرک
جمع آوری کرده و ادعا نامه ما در کند!
و در رابطه با نتایج بررسی هیئت
با توجه به عملکردهای جمهوری اسلامی
در طرف دو سال گذشته نوشتیم:
وقتی سیستم "عدالت" جمهوری
اسلامی بر هر می استوار باشد که ما مورین
دستگیری و بازجویی آن جاساسی چون
ما شاء الله قصاب ها و کربمیی بوده و حاکم
شرع آن آدمکشانی نظیر خلیفای حاکم
فهمیم ها باشند و زندانیان آن در خیما نی
چون کجوشکی ها و دادستان آن جناایتکارانی
چون لاجوردی ها باشند تا وقت پرواضح
است که رئیس هیئت بررسی شکنجه آنها
باید مثال بشارتی ها (با آن سوابق
در خشان!) باشند که توجه گرفتار شکنجه و
تظہیر کنند شکنجه گران باشند."
و اکنون با اعلام نتایج بررسی
هیئت، توده های می بینند که ما تا چه حد
در قضاوت خود محق بودیم. تا اینجا
مربوط میشد به جناح حزب جمهوری
اسلامی که تمام اهرمهای قدرت را در
دست خود متمرکز کرده است. اما ببینیم
آقای بنی صدر مدعی آزادیخواهی و
مخالف اعمال شکنجه! در اینباره چه
میگوید: آیا ایشان هم معتقد شده است
که مسئله شکنجه شایعه ای بیش نبوده
است؟ و حرفهای که او در میدان آزادی
در باره شکنجه زدودار اینباره داد سخن
داد حرف مفت بوده است؟! مگر او نبود
که توسط دفتر ریاست جمهوری پرونده ای
مشمول بر پیش از شصت مورد شکنجه را
برای هیئت فرستاد. آیا ایشان هم

بقیه در صفحه ۱۸

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد



کوششهایی که برای تقویت

کمیته‌ها

بقیه از صفحه ۱

ایجاد امنیت را به شکل و وضعی در مردم بوجود می‌آورد.

۵- و بالاخره مهمترین بهره برداری که تقویت و مجهز کردن هر چه بیشتر ابزارهای سرکوب نظیر کمیته‌ها و سپاه پاسداران و غیره می‌باشد. روزنامه جمهوری اسلامی در شماره ۶۰ اردیبهشت خود چنین نوشته است:

بسی کمیته‌ها در مقابل پارت نیواوزان منفجر شد و بسیاری که در مقابل دانشگاه همه و همه نشان می‌دهند که با یک کمیته‌ها هر چه سریعتر تقویت گردند و این تقویت نه تنها

از سوی دولت که از سوی مردم نیز باید صورت گیرد، نه تنها از سوی دولت و مردم که از سوی دادگاه‌های انقلاب و قوه قضائیه و مجلس نیز مسلمانان را در رسیدن کمیته‌ها (باید) بدانند که چه کسی پشت آنها هستند. می‌بینیم چه نتایجی از بسبب

گزاریه‌ها گرفته میشود؟ تقویت هر چه سریعتر کمیته‌ها از سوی دولت و مردم! آیا این نتیجه گیریها و حرکاتی که دنبال آن

در مجلس و هیئت دولت صورت می‌گیرد این مسئله را پیش نمی‌آورد که انفجار چندین بار در اینجا و آنجا بهانه‌ای بیش برای

تقویت کمیته‌ها و سرکوب هر چه بیشتر توده‌ها نبوده است؟ آیا این امر در ذهن هر فرد چنین القاء نمی‌گردد که برای اتخاذ

نتایج این چنینی خود عوام مل را رژیم عا مل بوجود آوردن این بسبب گزارشها باشد؟ مخصوص که می‌بینیم ارگان

جمهوری اسلامی بر تاسه راهی و کشته شدن سه مبارز زخمی شدن ۵۰ نفر را در جلوی دانشگاه که به شش مسئول عوامل خودشان بوده‌اند، در ردیف بسبب گذاری

میدان نیاوران گذاشته و در موضعی از بزرگترین سفاکات ما در آن بوده که تا بحال به یک کمپانی بریتانیایی واگذار شده است (انقلاب اسلامی ۶۰/۲/۶)

مبلغ مورد بحث یک میلیون ریوند (بیش از ۱۷۰۰۰۰۰۰۰۰۰ تومان) می‌باشد که رژیم در صورت عقد قرارداد (بگفته مدیر عامل ایران ناسیونال در مصاحبه تلویزیونی

۶۰/۲/۸، سه چهارم مراحل آنجا یا زرسیده است) از یکس زحمتکشان به کمپانی چند ملیتی تالیوت بپردازد! برای آنکه ابعاد این

رقم کمی ملموس تر جلوه کند، بد نیست بدانید که این مبلغ بیش از یک بیستم بودجه سال آینده، ۴۰۰ برابر کل اعتبارات منظور شده برای مسکن، ۳۰۰ برابر اعتبارات کشاورزی و

۴۰۰ برابر اعتبارات صنعتی در بودجه سال ۵۹ است، به عبارت دیگر مبلغ این قرارداد بیش از کل اعتبارات است که رژیم مدعی

مبارزه با امپریالیسم و خواستار خودکفائی برای ما ختن مسکن، احیای کشاورزی و خودکفائی صنایع کشور در بودجه سال ۵۹ منظور کرده بود. عقدا بین قرارداد چند میلیونایی که هزینه آن از یکس زحمتکشان نپرداخت میشود صرفاً

کمکی به کمپانی‌ها و چند ملیتی‌رو به ورشکستگی اتومبیل سازی است. امضای این قرارداد در حالی صورت می‌گیرد که رژیم جمهوری اسلامی به بهانه "صرفه جویی در مصرف"، قند و شکر زحمتکشان

چند ما بطور قطعی نمیتوانیم عاملین این عملیات را مشخص کنیم اما مسئله مهمی را که با اطمینان میتوان گفت اینست که چگونه سردمداران جمهوری اسلامی و مخصوص جناح حزب که اکثر

ا هر مهای قدرت را در دست دارند از این وقایع در جهت سرکوب مردم و تشبیت خود استغاده میکنند. در گذشته هم دیدیم که

تعلیفات روی بسبب گزاریه‌ها (که با لاشر اعلام نگردید اما ملان آن چه کسانی بودند

علیرغم آنکه چندبار اعلام خلاقه‌ها ای نراین رابطه دستگیر شده‌اند) تنها نتیجه‌ای که داشت اعمال فشارهای بیشتر

تصمیمت ب مردم و نیروهای انقلابی بود. ما مورین کمیته‌ها و مامورین باصطلاح انتظامی

باین بهانه مردم را با زرسی بدنسی میگردند، اتومبیل‌ها را می‌گشتند و خانه‌ها را تفتیش میکردند و خلاصه به بهانه

و جو بسبب و کشف آن با دست باز شیوه‌های سرکوبگرانه خویش را وسعت می‌بخشیدند. و یک نتیجه مهم دیگر هم برای رژیم آن بود که در جهت تعلیفات بسبب گزاریه‌ها کمیته

امنیت تهران، و سپس "شورای امنیت کشور" یعنی ساواک جدید را بوجود آوردند. و امروز بهره برداریها را که رژیم از

بمبهای که در میدان‌ها و مناطق مختلف منفجر میشود میکنند چند جنبه دارد:

۱- با مطرح کردن مسئله بطور کلی و مشخص نکردن عاملین آنها و اسخسان

دو پهلو و مزورانه که توسط اولیاء امور بیان میشود بطور تلویحی مسئولیت اینکارها را بگردن نیروهای انقلابی

میانندازد. ۲- این امر را وسیله‌ای برای سرکوب و تشدید اختناق و اعمال فشار و تفتیش و

با زرسی افراد، اتومبیلها و خانه‌ها میکند. ۳- با نادیده بودن فضای بسبب گذاری با

دست باز بر تاسه راهی و کشته شدن ۵۰ نفر در میان تظا هر کنندگان را توسط عوام مل خود سازمان میدهد.

۴- با دادن زدن به حالت اضطراب و دلواپسی در مردم نگرانی نبود امنیت را در توده‌ها تشدید کرده و در نتیجه ذهنیت

قرارداد با "تالیوت"

بقیه از صفحه ۱

متحکمتره را با امپریالیستها برقرار سازند. فی المثل در کاره ۴۰۰ میلیاردی که به صنایع اتومبیل سازی نوشتیم که رژیم

جمهوری اسلامی در جهت بازسازی صنایع وابسته گام برمیدارد. اکنون در راه وابسته کردن

صنایع کشور به امپریالیستها، هیئت حاکمه در حال عقد قرارداد با شرکت تالیوت - انگلیسی است تا احتیاجات ۵ سال آینده

قطعات بدکی منفرسه و قطعات مورد نیاز برای مونتاژ دهها هزار ریکار را فراهم سازد. (بنا بر نوشته روزنامه‌ها عده‌ای از مقامات از این امر ناچیز نی‌خبرند و عده‌ای دیگر پس از "دزد" کردن خبر از طرف انگلیسی‌ها، آنرا تا ثید می‌کنند) مبلغ قرارداد بدقتی بالاست که به تنها مورد مبلغ قرارداد ده‌ها ینگیس صنایع اتومبیل سازی در زمانه رانگشته، بلکه حتی بقول اطلاعاتیه شرکت تالیوت یکی

های دیگری عاملین انفجار نارنجک در تظا هرات ۱۱ اردیبهشت میدان آزادی را

بیشتر ما نه‌سا زمان ما و بیکار و مجاهدین قلمداد میکند! آیا اینها این ظن را بیش از پیش

تقویت نمیکند که ما مل هم میب گزاریه‌ها عوام رژیم باشند؟ وقتی ضرورت تقویت

کمیته‌ها از جانب دولت و مجلس و مردم موقعی مطرح میشود که مخالفان نمی‌توانند

جانب لیبرالها تحت عنوان وجود تعدد مراکز تصمیم گیری و "سوا" استفاده‌های

بی‌حساب مالی و... با کمیته‌ها صورت گرفته و حتی پیشنهاداتی را در این رابطه

آنها داده میشود. بدیهی است که این مخالفان از یکطرف و شغرفروان از طرف دیگر

مردم نسبت به این کمیته‌ها از طرف دیگر موجبات تضعیف روحیه پاسداران را در

کمیته‌ها شده است. در این رابطه است که می‌بینیم مسئله تقویت این کمیته‌ها

بوسیله مجلس، دولت و حتی مردم از جانب روزنامه‌ها حزب حاکم مطرح شده و رادیویی

دولتی هم آن‌ها می‌زند. و در چنین اوضاع و احوالی انفجار را بمبها و کشتار

هموطنان زحمتکش ما برای کمیته‌ها "خبر و برکت" به همراه آورده و تقویت آنها را در دستور روز دولت و مجلس قرار داده است!

نتیجه اینکه مردم درک می‌کنند که بسبب گزاریه‌ها چه توسط عوام مل رژیم صورت گرفته

و با توسط عوام مل دیگر، بهانه‌ای برای تقویت نیروی سرکوب و فراهم کردن

جونا امنی درجا همه که مردم با هر حرکتی که با این جونا امنی داد من زندم مخالفان

کنند و هم چنین ایجاد ارباب در میان مردم بوده است، اما به دولت تذکر

میدهم که این چنین اعمال برای مردم مبارزان تا زگی نداشتند و در رژیم شاه هم بکار بسته میشود و چنانکه چنین

شگردها را برای رژیم نتیجه‌ای نداد رژیم جمهوری اسلامی هم از آن طرفی

نخواهد بست و تنها مبارزه طبقاتی را حاد تر خواهد ساخت و سرانجام این توده‌های خلق هستند که پیروز و سربلند از میان

را نیز جیره بندی کرده است و این روش چیزی نیست جز ادا مه‌سایست هوی‌ای یا شکر که جهت کمک به امپریالیستها میگفت: "به امپریالیست‌ها روزی که هر ایرانی ما جر یک پیکان شود"

آنهم در شرایطی که دولت از کمبود بنزین و سایر رزها "پیکان‌گرایی سخن می‌گوید. رژیم جمهوری اسلامی زسونی از استقلال

اقتصادی سخن می‌گوید و در عمل با تمام قوا جهت تشدید وابستگی گام بر میدارد و این

دیگر از استقلال سیاسی دم می‌زند. جالب است این که هر چه در اقتصاد دوا بسته تر می‌شوند،

کوس استقلال سیاسی شان بیشتر گوش فلک را پاره می‌کنند. در همین روزها که قرارداد

ایران ناسیونال با شرکت انگلیسی - تالیوت امضا می‌شود، محمدها شمی رفسنجانی تا لیبوت افشا می‌شود، رسفارت انگلیس

مشاور نخست وزیر با کاردا رسفارت انگلیس هرتهران ملاقات می‌کند (۶۰/۲/۹). کاردا

ما لیل است بدانند که روابط اقتصاد دی با امپریالیسم انگلیس به این خوب است، تکلیف روابط سیاسی چه می‌شود

چاقو دسته اش رانمی برد!

کمکهای مالی دریافت شده

چون ارسال بیلتهای بیون کد، امور مالی سازمان را با مشکل مواجه ساخته است، لذا از همه رفقا و هواداران می خواهیم که کمکهای مالی خود را زاماً تا یک عدد سه رقمی و یک حرف مشخص نمایند و از ارسال بیلتهای بیون کد خودداری نمایند. (ا مور مالی با زمان)

۶۵	ه	۵۱۲۳	۳۲۴۷	الف	۲۰۲۵
۲۹۰۵	۲۷۰۰	۴۰۰۰	۱۰۱۲۵	ب	۱۳۷۷
۳۰۰	۱۲۰۰	۱۳۹۱	۱۱۰۳	ج	۶۵۵۵
۱۸۰۰	۱۳۱۵	۳۰۸۱	۶۲۲	د	۱۱۱۱
۲۳۱۳	ی	۱۶۷۱	۱۱۱۱	ز	۱۰۰۰
۱۰۰۵۲	۵۰۹۸	۱۰۵۵	۳۱۸	ح	۱۰۳۴
۱۲۱۷	ن		۱۰۰۰	ط	۲۳۰۰
۲۳۲۷	۱۹۱۶		۶۳۳	ق	۲۲۶۶
۱۰۲۷	بدون کد		۱۲۶۰	ک	۳۶۱۱
	۱۰۰۴۸	۱۶۴۴	۱۱۵۳	خ	۲۳۰
			۱۲۴۵	ج	۵۱۱۰
			۱۱۹۵	د	۵۱۲
			۴۱۵۶	ز	۱۲۲۳
			۵۱۱	ح	۱۰۱۱
			۲۳۰۰	د	۲۲۵۹
			۱۱۵۲	ر	۸۵۶
			۴۹۹۹	ر	
			۱۰۵۵۵	ز	
			۱۵۵۵	ح	
			۵۰۰۰	ز	
			۲۳۲۳	ح	
			۲۲۲۳	ز	
			۲۴۰۱	ق	
			۵۵۵	ک	
			۱۰۳۶	ز	
			۴۴۴	ح	
			۲۷۶۶	ز	
			۵۱۱۱	ح	
			۶۰۰	ز	
			۲۱۲۳	ح	
			۱۰۰۰	ز	
			۱۰۸۱	ح	
			۲۵۶۷	ز	
			۳۳۰۰	ح	
			۶۵۰	ز	
			۵۱۱	ح	
			۶۰۱	ز	
			۲۴۰۰	ح	
			۱۴۰۰	ز	
			۵۵۵۰	ح	
			۳۱۰۱	ز	
			۷۰۷	ح	
			۵۱۴۰	ز	
			۱۰۰۰	ح	
			۳۹۹۹	ز	
			۱۷۱۶۱	ح	
			۱۳۲۵	ز	
			۵۰۰	ح	
			۱۸۹۶	ز	
			۵۰۰۷	ح	
			۶۰۵۵	ز	
			۱۰۱۸۴	ح	
			۲۲۲۲	ز	
			۲۱۰۰	ح	
			۱۵۰۰	ز	
			۱۸۲۷	ح	
			۳۲۳۲	ز	
			۲۲۷۷	ح	

در جلسه حکمیت برای حل و فصل مراعات جناحین حاکمه، از بزرگان هم برای مطالعه دعوت شد؟ دعوی اینان اساساً "بر سر آن است که سرمایه صنعتی بر سرمایه تجاری غالب باشد و سرمایه صنعتی راز بر نفوذ خود داشته باشد."

حالا که در برابر چشمان از حیرت گشاده ایپورتونیت ها روزگامه میزان و مدیسر مسئول آن "آزاد شد، و سخن جینی ایپورتونیت نزد "برادران" مکتبی اش نکرده، با زهم ثابت می شود که چاقو دسته اش را نمی برد! و بالاخره با زهم ثابت شده که مهندس بزرگان این رند پیوسته است بازای پورژواشی، چقدرا از پورتونیت های جوان ماکه تا شیا نه به آب و آتش این بازیدست می زنند، فهمیده تر است!

همه به یاد دارند که مهندس بزرگان در دوره "صدارت خود همواره از "تصدد مراکز قدرت" شکوه می کرد و یک بار سخنی به این مضمون گفت: من چاقوئی هستم که تیغه آن در دست من نیست، وقتی روزنامه میزان ارگان نهفت "آزادی" و سردیسر آن توقیف شد، همه ایپورتونیت ها شی که ازضا دلایحل دو جناح حکومت سخن می گفتند، بشکن زدند و گفتند: دیدید با زهم جناح انقلاب بر جناح صدا انقلاب ضربه زده می بینید انقلاب را در تضعیف میشود! اما آنها که رددعواهای جناح حاکم را دنبال می کنند، گفتند درست است که بین دو جناح اختلاف عقیده های جدی، منجمله بر سر چگونگی سرکوب توده ها میروز کرده اما ما بالاخره چنان که با رها دیده ایم، چاقو دسته اش را نمی برد! مگر ندیدید که

هیئت بررسی شکنجه میگوید: با وجود آنکه...

برونده های "جعلنی" و "قلابی" برای هیئت فرستادند؟! اگر ایستور تیبست پس جواب او به اعلام آقای بشارتی چه بوده است؟! آیا مردم از رئیس جمهوری سکوال تمیکنند آنهمه شمارتی که در باره "استقامت" و "پایداری" در مقابل زورمداران پیدا دکجا رفت؟! آیا مردم اکنون به حرف ما نمی رسند که در همان موقع در رابطه با طرح مسئله توسط بی صدر در کار ۹۱ نوشتیم:

"آنها (بی صدر و لیبرالها) همانقدر که بطور واقعی از دموکراسی و آزادی دفاع میکنند هم آنقدر نیز بطور راستیین مخالف شکنجه زندانیان هستند!"
در ظرف ۲۷ ماهی که از تشکیل جمهوری اسلامی میگذرد توده ها بارها و بارها مانورها و سیاستهای عوام فریبانه این حکومت را تجربه کرده اند. مردم بارها تا طر تشکیل هیئت های بررسی به مسائلی بوده اند که اقتضای آن ها مامه را قرا گرفته بود. هیئت رسیدگی به انتقادات انتخابات، هیئت بررسی به دزدیهای انجام شده در بنیاد مستضعفان، هیئت بررسی به مسئله چاقو داری و هیئت بررسی به ... و بالاخره هیئت بررسی به "شایعه" شکنجه، و مدتی روی این مسائل جا رو جتجالی راه انداخته اند و پس از آنکه مسئله تا اندازه ای فروکش کرده است با استیاج بررسی هیئت "اصلا" خبری نشده است و یا آنکه نظیر هیئت بررسی شکنجه یا بن ترتیب سره قضیه راهم آورده اند. رژیم بخیال خود با این روشها سر مردم را شیوه می ماند و از فشار توده ای علیه خود می گاهسد

ولی غافل از آن است که هر قدر از این وقایع بیشتر تکرار شود چهره عوام فریبانه رژیم برای مردم آشکارتر می شود. روز بروز توهم توده ها از حزب جمهوری اسلامی در هم می ریزد و آنها بیش از پیش به ماهیت واقعی هر دو جناح هیئت حاکمه پی میبرند.

اما آنچه بر مردم و نیروهای آگاه مربوط میشود اینست که باید انگاری درباره شکنجه و وضع اسفنازند آنها با کمال شدت ادامه یابد. باید اقرار مختلف مردم ایران را در جریان این وقایع بگذاریم و مردم صدا مبریانیت و دمکرات جهان را از آنچه در بنیادمان میگذرد آگاه گردانیم.

و در همین حال با اتخاذ شیوه های صحیح مبارزه در مقابل اعمال شکنجه برآمده و با سازماندهی مقاومت مبارزان نقشه های مزدوران را نقش بر آب سازیم.
دژخیمان باید بدانند جنبش صدا مبریانیتی - دموکراتیک، قهرمانانی چون احمدزاده ها، جزئی ها، ظریفی ها، کتیراشی ها، بهروز دهقانها (فدائیان خلق) و بدیع زادگان ها و رفاشیها (مجاهدین خلق) داشته است که حماسه مقاومت آنها در زیر شکنجه های آریا مهری، دژخیمان شاه را بزبان آورد. رژیم جمهوری اسلامی باید بدانند از شکنجه زندانیان طرفی نخواهد داشت و تغییر شیوه های اولین امثال شکنجه به کوچه و خیابان زور و سپاه که هدفش ایجاد رعب و وحشت در میان مردم است برای سودی بسیار نخواهد آورد. تنها نتیجه ای که از آن عایدش خواهد شد خشم و نفرت بیش از پیش مبارزان و توده های خلق از چنین اعمال بیسوده و موجبی آبرویی هر چه بیشتر رژیم درانظار افکار عمومی مردم مترقی جهان خواهد شد.

با اتکاء به نیروی توده ها برای صلح دموکراتیک در کردستان بکوشیم

گرامی یاد خاطره رفیق

شهید خسرو روزبه

بقیه از صفحه ۲۰

در سالهای بعد، دیگر فرزندان راستین خلق، چون احمدزاده ها، جزئیها، وحید شرفها با ادامه راه سرخ کمونیسم، راه رفیق خسرو روزبه و با بنیان گذاری جنبش نوین کمونیستی ایران و مبارزه بی ما رویبگیز علیه رژیم ضد مردمی آریا مهری، لکه، سنگی را که خیانتهای آنحرفات حزب توده بر دامان جنبش کمونیستی ایران بجای گذاشته بود، زدودند و با جانبازیها و فداکاریهای خود جنبش کمونیستی ایران را زنده ساختند. مبارزات درخشان سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، از ستاخیز سیاهکل تا با مروز، موجب شده است که اینبار نام کمونیسم و کمونیستها با نام فدائی و فدائیان خلق عجین گردد.

اکنون با اوج گیری مجدد مبارزات کارگران و زحمتکشان، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و لیبرالهای رنگارنگ چون بنی صدر و زرگان که نجات نظام سرمایه داری ایران از تحران را وجه همت خود قرار داده اند، میگویند که ما رکسیم - لنینیسیم و کمونیستها، این مدافعین بیگرمناف کا رگران و زحمتکشان را در میان پتوده های بی اعتبار سازند. آنها می گویند که خیانتهای آنحرفات حزب توده را که کارگران و زحمتکشان میهنمان با پوست و گوشت خود لمس کرده اند چنانکه کمونیستهای انقلابی بگذارند. هدف آنان، همچون دیگر خائنان نظام سرمایه داری و دشمنان کمونیسم، سلب اعتماد پتوده های میلیونی زحمتکشان از جنبش کمونیستی ایران و در نتیجه به شکست کشاندن مبارزات فدائیرالیستی دموکراتیک مردم میهنمان که رهبری طبقه کارگران را پیروزی آن است، میباشد. اما ملت آگاه و مبارز ایران همچنانکه در گذشته حساب روزه ها، فدائیان خلق و سایر کمونیستهای انقلابی را از رهبران سازشکار و اپورتونیت حزب توده جدا کردند، اینبار ریزش حمایت از سیاستهای مارکسیست-لنینیست های واقعی، مشت محکمی بر دهان خائنان سرمایه و آستان بولان درگاه اپورتونیستهای رنگارنگ خواهد کوفت.

با افتای دشمنی سردمداران رژیم جمهوری اسلامی و شرکای لیبرالشان با مارکسیم - لنینیسیم و مایهت خیانتهای سازشکارانه سیاستهای حزب توده و اپورتونیستهای نوبیسای "کمیته مرکزی"، با در فقی خسرو روزبه را گرامی و راه او را تا ابد و تا ابد بخشم.

گرامی یاد خاطره شهدای بیخون خفته خلق مرگ بر سرمایه داران و سازشکاران

قطعنامه راهپیمائی
روزاول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)

اسک اول ماه مه فرا رسیده است و موج کارگران جهان به استقبال عدو خوین خوشین شما نموده اند. ملیونها کارگر از سراسر جهان با عزمی راسخ برای نابودی امپریالیسم جهانی و همه رژیمهای وابسته و ارجاعی و محوسرما به داری سیاسی فیزد و ناسخ عظیمی از قدرت همسنگی خوشین را سراسر میگرداند.
رژیمهای ارجاعی و جنسوده را پس سبایت قدرت سرخ پرولتاریا، بسیاری از نطق هر کندگان را به خاک و خون میافکند و بجرم سرخ کارگران، سرخ تر میشود.
طبقه کارگر قهرمان ایران سرسرموان یک گردان از ارتش عظیم جهانی طبقه کارگر در حالیکه رجمهای فراوانی از امپریالیسم و رژیم حاکم برتن دارد به سرگزاری هر چه با شکوه تر و روز همسنگی کارگران میبردازد.
طبقه کارگر ایران در شرایطی عدو خوین جهانی را جشن میگیرد که بحران اقتصادی - سیاسی سرمایه داری همچنان ادامه دارد. کراسی، سنگاری فقر و فلاکت، تورم، حیره بندی مواد غذایی و سوختی، کلوی زحمتکشان ما را میسازد، سرسراسر بحران اقتصادی، مبارزات کارگران و زحمتکشان و حلقهای میهمان ایران روزه رور کمنتره تر میشود و رژیم جمهوری اسلامی که از با سخگوشی به حواسنهای سرخ بوده ها با توان است، پس از سبایت به کشتا و سرکوب کارگران و زحمتکشان و حلقهای تحت ستم ایران بر دانه و با تمام نیرو به ما رساری و جرات از سبب سرمایه داری وابسته به امپریالیسم برداشته است. آزادیهای دمکراتیک را سبب میشود. نظارات دانشجویان انقلابی با تارکج بحون کشیده میبودند و شهید و رجمی بها میگذارد، عین همین جنایات در شهرهای آمل، قائم شهر و سهران و... بکرا میبود و اسلاسون و کمنیسها بر دانه، سرور و کتجه و سرباران میشوند. اجتماعات به خون کشیده میبودند و بالاخره مطبوعات انقلابی سوبیف میشوند.
در جنب شرایطی ما سببوان بخشی از طبقه کارگر ایران در اینروز از یکسویه تحکیم اتحاد خوین با طبقه کارگر جهان میبرداریم و از سوی دیگر در شرایطی که مبارزه برای آزادیهای سیاسی، برحسنگی خاصی با منته است بر عزم راسخ خوین در اسنادن در مقابل خفان، سرکوب و کشتا رژیم جمهوری اسلامی پای میگذاریم. از اینروز با شرکت کنندگان در راهپیمائی اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰) با توجه به خواستهها و شعارهای طبقه کارگر ایران در شرایط کنونی همدوس با کارگران ایران اعلام میداریم که:

- ۱- در اینروز با تمام انجمنها دو همسنگی کارگران جهان زیر شعار کارگران جهان متحد شوید گرد میسازیم و اعلام میداریم که مبارزات طبقه کارگر ایران جزئی از مبارزات کارگران جهان برای نابودی امپریالیسم و رژیمهای وابسته ارجاعی و محوسرما به داری است.
- ۲- ما وظفتهای امپریالیسم آمریکا و وابستگان و مستعینین داخلین را بر علیه حلقهای ایران محکوم کرده و با تمام نیرو در مقابل آن خواهیم استاند.
- ۳- رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی عامل سرکوب و کشتا خوین کارگران، زحمتکشان و حلقهای ایران و فقر و فلاکت بوده ها و مانع تحقق انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی حلقهای ایران است. جناحهای مختلف حاکمیت و از جمله حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها همگی ضد انقلابی و دشمن حلقها و طبقه کارگر ایرانند و اتحاد با هر یک از این جناحها برای مقابله با جناح دیگر، خیانتهای به طبقه کارگر و حلقهای میهمان ایران است.
- ۴- انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی حلقهای ایران بدون رهبری طبقه کارگر، بسراختنمان پیروز نمیدان خواهد رسید.
- ۵- ما با تمامی توان خود در راه مبارزه برای کسب آزادیهای سیاسی، دفاع از جنبش مقاومت خلق کرد، مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی، بازگشائی دانشگاهها، آزادی اجتماعات و فعالیت سازمانهای انقلابی و ایجاد شوراهای انقلابی (واقعی) و افتای سرکوب کشتا و رو خفان رژیم وابسته خواهیم داد.
- ۶- خلق کرد بدست دزدیرحلات ارتش و سپاه پاسداران قرار دارد. ما ضمن پشتیبانی از مبارزات حق طلبانه خلق کرد و پشتیبانی از حق تعیین سرنوشت حلقها، جنایات رژیم را در دستان بدست محکوم می کنیم.
- ۷- ما جنگ ارجاعی کنونی را که تنها در خدمت سرمایه داران دوکشور ایران و عراق قرار دارد محکوم کرده و اعلام میداریم که مسیبین اصلی کشتا و فقر و فلاکت توده های دوکشور ایران عراق، حکومتهای ارجاعی این دوکشورند.
- ۸- هم اینک نزدیک به ۲ میلیون آواره جنگ در بدترین شرایط بسر میبرند و رژیم جمهوری اسلامی به تنها در پیهود شرایط زندگیشان نکوشده بلکه به آزار و سرکوب آنها میبردازد. ما پشتیبانی خود را از خواستههای سرخ آوارگان اعلام کرده، تصییقات و سرکوب آوارگان را توسط رژیم جمهوری اسلامی محکوم می کنیم.
- ۹- ما خواهان هفتاعت کار در هفته با دو روز تعطیل برای کارگران هستیم.
- ۱۰- در اینروز سرخ دروهای سی پایان خوین را به تمامی شهدای قهرمان و رزمنده، مبارزان علیه امپریالیسم و سرمایه داری و تمامی خون خفگان دلاور راه آزادی طبقه کارگر جهان نشان میداریم و سببوان کمنیسها را به سرخشان را با تمام توان خوین بسما شیم.

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
جمعه ۱۱ اردیبهشت ۱۳۶۰

پرتوان باد جنبش طبقه کارگر پیشتاز مبارزات
ضد امپریالیستی - دموکراتیک حلقهای ایران

تروویسم رژیم جمهوری اسلامی را محکوم میکنیم

بودند. اما رهبران جناح راست اکثریتی که بنوده‌ها خاست کرده‌وارا سازش با ضد انقلاب حاکم را بر کرده‌اند، و اکنون بصورت ایزارایلا راده‌ای در دست حاکمیت درآمده‌اند. به نثرکه حاکمیت پرده‌خانه و جنس وانمود کردند که "اصلاً" حاکمیت در این اقدام حمایت کارانه سهمی نداشته است. دولت جمهوری اسلامی که این گروه‌ها را وسیله‌ای برای سرکوب سازمان‌های انقلابی قرار داده است کوشید که این اقدام جنابتکارانه خود را بحساب سازمان‌ها و محاهدین خلق و سازمان بیگاری بگذارد. اما این رژیم رسوا ترازان است که بتوانند اقدامات تروریستی خود را به نیروهای انقلابی نسبت دهد.

ما ضمن محکوم کردن عملیات تروریستی رژیم جمهوری اسلامی، جناح راست اکثریتی را نیز درگشتاروسرکوب مردم سوسیست حاکمیت سهم میدانیم.

روزجمعه ۱۱ اردیبهشت در میتینگ جناح راست اکثریت درمیدان آزادی نارنجکی‌سه میان جمعیت برتاب شد که طی آن چند نفر کشته و صدها تن زخمی شدند. این اقدامات جنابتکارانه تروریست‌ها رژیم جمهوری اسلامی موسوم به حزب الهی، در همان حال که خشم و نفرت مردم را نسبت به این اقدامات کارانه برانگیخت و ما هیت رژیم جمهوری اسلامی را هر چه بیشتر نشان داد، سیاست‌های جناح راست اکثریت را نیز افشا کرد.

اکنون بررهبران این بدک آگما هی‌بخوسی روشن است که با بندهای تروریست فالانسز موسوم به حزب الله توسط حزب جمهوری اسلامی، سیاه‌پاداران و کیمیت‌ها سازماندهی شده‌اند و منافع مالی تغذیه این گروه‌ها نیز سرما به داران آنند. کسانی که نارنجک را به میتینگ برتاب کردند، بویا پلاکاردها را به آتش کشیدند، و شرکت کنندگان را مورد حمله قرار دادند، همین فالانس‌های حزب الهی

گرامی باد خاطره رفیق شهید خسرو روزبه

درحرکات ۲۱ اردیبهشت ماه ۱۳۳۷، درحالیکه طنین فریاد "زنده باد کمونیسم..." لرزه براندام دژخیمان آریامهری انداخته شد، کلوله‌های دژخیمان رژیم برینه‌ستیز و قامت‌سرافراشته رفیق خسرو روزبه نشست و صفات تاریخ مبارزات کارگران و زحمتکشان، با ردیکرا خون‌یکبی از درختان ترین جبهه‌های انقلابی حسین کمونیستی میهمان کلکون کشت.

شهادت حماسه آفرین رفیق روزبه در آن سالهای ساه بعد از زکودنای سنکین ۲۸ مرداد ۳۲ سالگی که هرمدای حق طلبانه‌ای درکلوقفه میشد، جون‌خوری تا بنده دردل ظلمت شب درخشید. در سالهای که جنس صدا میریالسنی - دموکراتیک بوده‌های زحمتکشان کورمان توسط رژیم وابسته به امیرالاسیم شاه سرکوب نده بود، درسالهای که رهبران خاش، حزب بنوده جون‌بزدی‌ها، بهرامی‌ها، فریسی‌ها و ترمسی‌ها به خدمت دشمنان خلق درآمده بودند در سالهای که رژیم ضد مردمی پهلوی با استفاده ازخباثت‌ها و انحرافات حزب توده، سعی درسی اعتبارکردن کمونیسم و کمونیسم را داشت، رفیق روزبه در سیدادگاهای رژیم شاه جلاذ جون‌کوهی استوار ایستاد و از ما رکسیم - لنینیم، علم رهائی طبقه کارگر، دفاع نمود. وی درقمی از دفاعیات خود گفت:

... اگر عاشق و شیفته رژیم سوسیالسم هستیم با تمام عقل و شعور و منطق و درایت خود برتری اصول آن را بر سایر رژیمها احساس کرده‌ام و محرک من درهر عملی که انجام داده‌ام آرزوی تحقق این اصول و بالنتیجه ایجاد دنیای نوین برای جامعه ایران و سرانجام تا مین سعادت و رفاه و سربلندی و آزادی و عرف ملت عزیزم بوده است.

رفیق روزبه در شرایطی که رهبران بورژواست و خاش حزب توده چون کیا نوری‌ها، طبری‌ها و جودت‌ها، بجای استنادکی در برابر ارتجاع و دفاع از آرمان زحمتکشان، فرار را بر فرار ترجیح دادند، با ایمان به پیروزی طبقه کارگر به استقبال مرگ رفت و فخرمانانه از آرمانها و عقاید خود دفاع کرد. وی در آخرین سخن از دفاعیات خود گفت:

من سنگرمبارزه را ترک نکردم و اکنون نیز تمام عواقب آن را باروی کشاده تحمل میکنم.

پیام زندانیان سیاسی به مناسبت اول ماه مه

جهت حفظ سرما به واسنما رکارگران داده می‌شود آزادی‌های دمکراتیک تحت جو تروریستی، تنگنهادن عدا م‌فرزندان خلق فرار گرفته‌ها بمال می‌شود و زندانیهای رژیم از کارگران مبارز و یوبیندگان راه رهائی بیرون ربا انباشته شده است و می‌دو که حرکت کارگران و زحمتکشان در پیوند با سازمان جریک‌های فدائی خلق ایران و سایر نیروهای انقلابی به موجی توفنده و سرا سری تبدیل شده باشد. های نوزان حکومت را درهم شکند.

ما هواداران سازمان از درون زندان های رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی ممن گرامیداشت این روز فرخنده به نام مبارک کارگران و سازمان جریک‌های فدائی خلق تبریک گفته و با ردیکرا تجدید عهد میکنیم که با عزمی راسخ در راه تحقق آرمانهای زحمتکشان کار برداشته و هر چه نیروان سر بوظنه‌های مروار به حزب مسخوس جمهوری اسلامی و لیسرا لهارا خشنی نمائیم.

تا بود با دامیرالاسیم جهان نیی سرکردگی امیرالاسیم آمریکا و با یگانه‌ها خلص

درا هتزاز با دیوچم خونین سازمان جریک‌های فدائی خلق ایران در زندان اوس

رفقا! اول ماه مه عید بزرگ کارگران جهان را دور از کارگران و زحمتکشان میهمان و دور از شمار قفای سازمان جریک های فدائی خلق ایران در زندانیهای رژیم ضد انقلابی جمهوری اسلامی گرامی می‌داریم. اول ماه مه هر سال جسته روزی است که تمام کارگران جهان این روز را گرامی داشته و تجدید عهد و پیمان می‌کنند که برای محوسم سرما به و امیرالاسیم متحدان ما بردارند. در چنین روزی رژیم جمهوری اسلامی می‌خواهد برای عوا مقریسی کارگران دست به بریائی می‌رسم جهت بزرگداشت این روز زده و کارگران و زحمتکشان میهمان با بیدزیر برجم ضد کارگری رژیم جمهوری اسلامی در مراسم ساخنگی شان شرکت نمایند و یادار غیرا بصورت اگر بخوانند مراسم مستقل برپا کنند با ضرب و شتم و زندان رژیم روبرو خواهند شد. در این شرایط که مبارزات کارگران و زحمتکشان برای احقاق حقوق حقه خود به اوجی جسم‌گیر رسیده و هر روز اعتمادات و اعتراضات آنها با کلوله‌های پاسداران سرما به روبرو میگردد، جنگ ارتجاعی دودولت ایران و عراق آنها را زیر فشار طاقت فرسای کراسی و قحطی و آوارگی قرار داده. خلقهای تحت ستم میهمان بویژه خلق کردیه و حتی به ترین نحوی سرکوب می‌شوند. در سالی که از طرف حکومت وعده‌ها منبت و فانون در

نخبه در صفحه ۱۹

پیشن بسوی تشکیل حزب طبقه کارگر